

تخار حلال

فساد • ستیزی • و • ابتکار عمل

نشریه اطلاع رسانی رویدادهای
بین المللی مبارزه با فساد
سازمان بازرسی کل کشور
سال دوم - شماره ۴
بهار و تابستان ۱۴۰۲

فساد در نظام بانکی
و نمونه های مبارزه با آن

معرفی گروه
دولت های ضد فساد

معرفی شاخص تغییر
بنیاد برتلسمن



هنر پولشویی

پدیده درب گردان و
سازوکارهای مقابله با آن در نروژ



۲۹



۱۳

فهرست مطالب

- | | |
|----|---|
| ۳ | سخن سردبیر |
| ۴ | اخبار و تحولات بین‌المللی |
| ۸ | چک‌لیست عمومی برای شناسایی حوزه‌های در معرض خطر تعارض منافع |
| ۱۱ | توصیه‌هایی برای قانون‌گذاری در زمینه تعارض منافع |
| ۱۲ | نگاهی به جدیدترین گزارش شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی |
| ۱۳ | تأملی بر «گلوگاه فساد» در ادبیات بین‌المللی مبارزه با فساد |
| ۱۵ | فساد در نظام بانکی و نمونه‌های موفق مبارزه با آن |
| ۱۸ | پرونده ویژه: هنر پولشویی |
| ۲۲ | پدیده درب گردان و سازوکارهای مقابله با آن در نروژ |
| ۲۵ | پیشگیری از تعارض منافع در نظام تدارکاتی ایالات متحده آمریکا |
| ۲۹ | شاخص‌های سنجش اقدامات دولت‌ها در ایجاد فضای سالم کسب‌وکار |



۱۸

بیانیه فدا و نوبت نشسته و هم‌جان

تجارب ملل

فساد • ستیزی و • ابتکار عمل

نشریه اطلاع‌رسانی رویدادهای بین‌المللی مبارزه با فساد سازمان بازرسی کل کشور - سال دوم - شماره ۴ - بهار و تابستان ۱۴۰۲

• صاحب امتیاز: انتشارات سازمان بازرسی کل کشور
• سردبیر: رضاباقریان
• دبیر تحریریه: محمدجواد حق‌شناس
• هیئت تحریریه: غلامحسین همایونی، محمود مهدوی‌فر و آرش فرهودی
• ویراستار: آمنه کاشانی‌موجد
• طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: علی ساریان‌نژاد

• تلفن دفتر نشریه: ۰۶۱۳۶۳۰۹۴ - ۰۶۱۳۶۲۷۰۱ - ۰۲۱
• نشانی: تهران، خیابان آیت الله طالقانی، تقاطع خیابان شهید سپهبد قرنی، سازمان بازرسی کل کشور، مرکز آموزش و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد
• پست الکترونیک: bazrasi.research@136.ir

- | | |
|----|--|
| ۳۱ | معرفی گروه دولت‌های ضد فساد |
| ۳۳ | معرفی شاخص تغییر بنیاد برتلسمن |
| ۳۶ | آموزش درستکاری در مدارس و دانشگاه‌ها (بخش سوم) |
| ۳۹ | معرفی کتاب |



۳۱

سخن سردبیر

❖ اگر هدف از نظارت و بازرسی را تحقق حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین بدانیم، لازمه دستیابی به این هدف، شناسایی مفاصد و سوء جریان‌های اداری و برخورد با آن است. مفاصد و سوء جریان‌های اداری در کشورهای مختلف به‌رغم برخی تفاوت‌ها، وجوه اشتراک زیادی دارد که همین موضوع، لزوم مطالعه و بررسی تجارب سایر کشورها را دوجندان می‌سازد. نگاهی کوتاه به دلایل شکست سیاست‌های مبارزه با فساد در جهان، نشان می‌دهد عدم بهره‌گیری از تجارب دیگران و تأکید بر سیاست‌های شکست‌خورده قبلی، نقش مهمی در این زمینه داشته است.

براین اساس، مرکز آموزش و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد در سال گذشته اقدام به راه‌اندازی مجله‌ای با عنوان «تجارب ملل؛ فسادستیزی و ابتکار عمل» نمود که سه شماره از آن تقدیم مخاطبان و همکاران گرامی گردید. محتوای این مجله همان‌طور که از نام آن مشهود است به معرفی تجارب سایر کشورها و مؤسسات و نهادهای بین‌المللی ضد فساد در جهت بومی‌سازی و بهره‌برداری از آن‌ها در کشور اختصاص دارد. علاوه بر این، برای اطلاع‌رسانی و ارتقای آگاهی‌های عمومی درباره رویدادهای مرتبط با فساد و آثار علمی منتشر شده در این زمینه در سطح جهان، بخش‌هایی از مجله به طرح اخبار و رویدادها و معرفی کتاب اختصاص یافته است.

در شماره چهارم، با توجه به اهمیت تعارض منافع و نقش آن در گسترش فساد، محور اصلی مجله را به آن اختصاص داده‌ایم و این موضوع نسبت به سایر موضوعات از نقش پررنگ‌تری در این شماره برخوردار است. در بخش نخست این شماره همچون شماره‌های گذشته، برخی از جدیدترین اخبار و تحولات مربوط به فساد در سطح جهان ارائه شده است. در بخش بعد، چک‌لیست شناسایی حوزه‌های در معرض خطر تعارض منافع، برگرفته از گزارش‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) ارائه شده است. در ادامه توصیه‌هایی برای قانون‌گذاری در زمینه تعارض منافع که خلاصه‌ای از یکی از مقالات مرکز منابع ضد فساد وابسته به دفتر مبارزه

با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد است، معرفی شده است؛ سپس با توجه به اهمیت درک درست از گلوگاه‌های فساد، تأملی بر این مفهوم در ادبیات بین‌المللی مبارزه با فساد داشته‌ایم؛ همچنین با توجه به اینکه جدیدترین گزارش شاخص حکمرانی بانک جهانی به تازگی منتشر شده است در این بخش نگاهی به این شاخص داشته و آنگاه به موضوع فساد در نظام بانکی و نمونه‌های موفق مبارزه با آن در سطح جهان پرداخته شده است. پرونده ویژه این شماره به موضوع حراج آثار هنری و مفاصد ناشی از محیط غیر شفاف این بازار اختصاص داده شده است. پدیده «درب گردان» و سازوکارهای مقابله با آن در نروژ و پیشگیری از تعارض منافع در نظام تدارکاتی ایالات متحده آمریکا موضوعات بعدی این شماره را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه، شاخص‌های سنجش اقدامات دولت‌ها در سالم‌سازی فضای کسب و کار و شرکت‌های دولتی که برگرفته از طرح ضد فساد استانبول است، ارائه و آنگاه گروه دولت‌های ضد فساد که به اختصار گرگو^۲ خوانده می‌شود معرفی شده است. معرفی شاخص تغییر بنیاد برتلسمن که از جمله منابع سنجش فساد در شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل^۳ محسوب می‌شود، بخش بعدی نشریه را به خود اختصاص داده است. در ادامه این شماره، بخش سوم آموزش درستکاری که به برنامه کاندرادر کلمبیا اختصاص دارد، ارائه شده است. در بخش پایانی نیز کتاب مدیریت و پیشگیری از تعارض منافع در بخش دولتی انتخاب و معرفی شده است.

مرکز آموزش و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد همچون گذشته، آماده دریافت نظرات، پیشنهادها و انتقادات پژوهشگران و همکاران گرامی است و امیدوار است انتشار این مجله، در ارائه دیدگاه‌هایی نو، به پرچم‌داران پیشگیری و مبارزه با فساد، نقش آفرین باشد.

رضا باقریان
تابستان ۱۴۰۲

2- Group of States Against Corruption (GRECO)
3- Corruption Perception Index (CPI)

1- Organization for Economic Co-operation and Development



پسر رئیس‌جمهور آمریکا، هانتر بایدن به اتهام دروغ‌گویی محاکمه می‌شود

هانتر بایدن، پسر جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، به صورت رسمی به دروغ‌گویی در مورد مصرف مواد مخدر و خرید یک تفنگ در سال ۲۰۱۸ متهم شد و به این ترتیب به اولین فرزند رئیس‌جمهور مستقر این کشور تبدیل شد که مورد پیگیری قانونی قرار می‌گیرد.

این اتهامات که هم‌زمان با رقابت‌های انتخاباتی جو بایدن برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده این کشور یعنی ۲۰۲۴ مطرح شده است، می‌تواند هانتر بایدن ۵۳ ساله را سال آینده به دادگاه بکشاند. اکنون هانتر بایدن، به طور رسمی با سه اتهام در خصوص مجوز حمل سلاح، اعتیاد به مواد مخدر و دروغ‌گویی روبه‌رو است. این اتهامات در حالی است که جمهوری خواهان مجلس نمایندگان در حال افزایش تلاش‌های خود برای استفاده از پرونده هانتر بایدن به عنوان دلیلی برای استیضاح پدرش هستند.

<https://www.nytimes.com/2023/09/15/us/politics/hunter-biden-gun-charges.html>

درخواست عراق از آمریکا و انگلستان برای تحویل متهمان پرونده «سرقه قرن»



رئیس سازمان مبارزه با فساد عراق از آمریکا و انگلیس خواست تا مقامات ارشد دولت پیشین این کشور را به دلیل دست داشتن در سرقت سپرده‌های مالیاتی که از آن با عنوان سرقت قرن یاد می‌شود، به بغداد تحویل دهند.

قاضی «حیدر حنون» رئیس سازمان مبارزه با فساد عراق در یک کنفرانس خبری اظهار داشت: موضوع سرقت سپرده‌های مالیاتی، بزرگ‌ترین پرونده فساد کشف‌شده در عراق و جنایتی آمیخته با خیانت است. وی با بیان اینکه «موضوع پرونده سرقت سپرده‌های مالیاتی فراموش نمی‌شود»، از کشورهای که افراد تحت تعقیب این پرونده در تابعیت آن‌ها قرار دارند، خواست تا این افراد را دستگیر و به عراق تحویل دهند. رئیس سازمان مبارزه با فساد عراق با اشاره به اینکه در پرونده یاد شده، خطوط قرمز برای چند نفر از مسئولان دولت قبل وجود دارد، افزود: رئیس دفتر نخست‌وزیر سابق، رئیس سازمان اطلاعات دولت پیشین و دبیر دولت که همگی از تابعیت ایالات متحده آمریکا و وزیر دارایی آن دولت هم از تابعیت کشور انگلستان برخوردار است، از جمله این افراد هستند.

حنون تأکید کرد که سازمان متبوعش برای استرداد «محمد به الجاف» مدیر سابق بانک تجارت عراق، «نورس عبدالرزاق» مدیرکل سابق در وزارت بهداشت و «محمد هادی» شهردار سابق «الحله» که تحت تعقیب قرار دارند، به پیشرفت‌هایی دست یافته است.

سرقت قرن، پرونده‌ای است که در آن حدود ۳.۷ تریلیون دینار عراقی معادل حدود ۲.۵ میلیارد دلار از محل مالیات‌های بانک «الرافدین» عراق، اختلاس و در قالب ۲۴۷ چک از طریق ۵ شرکت، به پول نقد تبدیل شده است.

<https://new.thecradle.co/articles/politics-hinders-investigation-of-iraqs-theft-of-the-century-sources>



زلنسکی و چالش مواجهه با فساد دولتی

روزنامه نیویورک تایمز نوشت: برکناری وزیر دفاع اوکراین بعد از انتشار گزارش‌هایی درباره سوءمدیریت و فساد در وزارتخانه متبوعش، بر چالش مهمی تأکید دارد که «ولادیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهوری این کشور در اداره جنگ با آن مواجه است.

این روزنامه آمریکایی افزود: زلنسکی با چالش مبارزه با فساد مواجه است که طی سال‌ها در اوکراین رواج داشته است. طرح و پیگیری موضوع فساد دولتی به شکل عمده در سال اول جنگ اوکراین «تابو» بود زیرا اوکراینی‌ها در این جنگ برای بقای کشور به دولت متکی بودند. اما زلنسکی با اعلام برکناری اولکسی رزنیکوف، وزیر دفاع، فساد دولتی در این کشور را در بالاترین سطح دستگاه سیاسی اوکراین مطرح کرد.

این اتفاق در لحظه‌ای حساس در جنگ اوکراین رخ داد زیرا این کشور بسیار به کمک‌های نظامی غرب متکی است. این متحدان اوکراین، از آغاز جنگ، دولت زلنسکی را تحت فشار قرار داده‌اند تا اطمینان دهد مقام‌های اوکراینی از میلیاردها دلار کمک غرب برای اهداف دیگری به غیر از جنگ استفاده نمی‌کنند.

بر اساس آمارهای دولتی، در مقطعی از سال جاری، حدود ۹۸۰ میلیون دلار از قراردادهای تسلیحاتی، تاریخ تحویل خود را از دست دادند و بر اساس گزارش‌هایی که به پارلمان ارائه شد، برخی از پیش پرداخت‌های تسلیحات در حساب‌های فروشندگان سلاح در خارج از کشور ناپدید شد.

<https://www.nytimes.com/2023/09/04/world/europe/ukraine-military-spending-corruption.html>

دادستان اروپا از شهردار توشوو در بلغارستان به اتهام کلاهبرداری تحقیق می‌کند



والنتین دیمیتروف، سیاستمدار حزب سوسیالیست بلغارستان، به اتهام کلاهبرداری در رابطه با پرداخت یارانه بهره‌وری انرژی مورد بازجویی قرار گرفته است.

والنتین دیمیتروف، شهردار توشوو، شهری در شمال شرق بلغارستان که از اعضای حزب سوسیالیست بلغارستان است، پس از دستگیری به درخواست دفتر دادستانی عمومی اروپا با قرار وثیقه ۵۰۰۰ یورویی آزاد شد.

دیمیتروف به دلیل ادعای تقلب در یارانه مربوط به پروژه‌ای برای افزایش بهره‌وری انرژی در مسکن اجتماعی بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ تحت تعقیب است.

مقامات دولتی از جمله شهردار که در این پروژه با بودجه ۱۶۹۰۰۰ یورویی مشارکت داشتند، ظاهراً اطلاعات نادرستی در مورد اجرای آن ارائه کردند. همچنین کار در مهلت تعیین شده به پایان نرسید.

<https://balkaninsight.com/2023/08/10/european-prosecutor-investigates-bulgarian-mayor-for-alleged-fraud/>



پسر رئیس‌جمهور کلمبیا در تحقیقات مرتبط با پولشویی دستگیر شد

▲ نیکلاس پترو، پسر رئیس‌جمهور کلمبیا، به عنوان بخشی از تحقیقات مربوط به پولشویی درمورد و جوهی که گفته می‌شود از قاچاقچیان مواد مخدر در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال گذشته جمع‌آوری کرده بود، دستگیر شد.

رئیس‌جمهور، گوستاوو پترو، که در میان مقامات سیاسی کلمبیا به عنوان یک مبارز ضد فساد مشهور است، گفت که در تحقیقات دخالت نخواهد کرد. پترو در پیامی در «ایکس»، پلتفرم رسانه اجتماعی که قبلاً توئیتر نامیده می‌شد، گفت: «به عنوان یک فرد و پدر، دیدن این همه خود تخریبی و زندان رفتن یکی از پسرانم برایم دردناک است. من به عنوان رئیس‌جمهور، به دفتر دادستانی اطمینان دادم که تمام ضمانت‌ها را خواهد داشت تا بتواند طبق قانون پیش برود.»

این تحقیقات ناشی از اظهارات همسر سابق نیکلاس پترو، به یکی از رسانه‌های محلی در سال جاری است. در این مصاحبه، وی گفته است در جلساتی که شوهرش بیش از ۶۰۰ میلیون پزو (حدود ۱۲۰۰۰۰ پوند) را از سیاستمداری دریافت کرده است که زمانی درواشنگتن به اتهام قاچاق مواد مخدر محکوم شده بود به دنبال حمایت کمپین پترو برای ازسرگیری فعالیت سیاسی خود بود، حضور داشته است. او گفت که پرزیدنت پترو از معاملات پسرش بی‌اطلاع بوده است

<https://www.theguardian.com/world/2023/jul/29/Colombia-president-gustavo-petro-nicolas-petro-arrested>



گواتمالا: رئیس‌جمهور سابق به اتهام فساد مالی به ۱۶ سال زندان محکوم شد

▲ اتو پرز مولینا و معاونش هفت سال پس از اخراج از سمت خود مجرم شناخته شدند. دادگاهی در گواتمالا، رئیس‌جمهور سابق و معاون او را به دو اتهام فساد در یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های فساد در این کشور آمریکای مرکزی مجرم شناخت.

این تصمیم بیش از هفت سال پس از این واقعه اتخاذ شد که این دو مجبور به استعفا شدند، اما برای بسیاری از تحلیلگران، این حکم به عنوان مصداق آشکار عدالت برای اعمال فساد آن‌ها نیست. پرز مولینا و بالدتی هر کدام به دلیل مشارکت در یک طرح کلاهبرداری مالیاتی به ۱۶ سال زندان و جزای نقدی بیش از یک میلیون دلار محکوم شدند. دفتر دادستانی ویژه گواتمالا علیه مصونیت از مجازات یا FECI درخواست ۳۰ سال زندان کرده بود.

www.theguardian.com/world/2022/07/29/Guatemala-president-otto-perez-molina-corruption-sentence&sig



گزارش فایننشال تایمز از فساد گسترده «ریاض سلامه» در سیستم بانکی لبنان

▲ روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز در گزارشی به افشای ابعاد تازه از فساد مالی ریاض سلامه و نزدیکانش پرداخته است.

در حالی که چند هفته از پایان دوره ریاست «ریاض سلامه» در بانک مرکزی لبنان می‌گذرد و پرونده‌های مختلف فساد مالی وی در چندین کشور اروپایی و نیز داخل لبنان باز است، همچنان ابعاد تازه‌ای از تخلفات مالی وی در بانک‌های لبنانی و خارجی فاش می‌گردد.

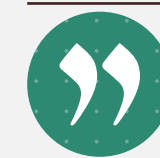
در همین زمینه روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز گزارش داد که ریاض سلامه یک فلش مموری به خارج از لبنان فرستاده که شامل اطلاعاتی درباره اسرار کار اوست. براساس گزارش این رسانه انگلیسی، در ژوئن ۲۰۲۱ و در حالی که لبنان دچار یک بحران مالی خفکان آور شده بود، ریاض سلامه در فرودگاه پاریس از هواپیمای شخصی خود پیاده شد و مسئولان گمرک فرانسه او را با چمدانی بزرگ حاوی مقادیر زیادی پول نقد غیرقانونی دستگیر کردند. سلامه که تابعیت فرانسه را نیز دارد در ابتدا به مأموران گمرک گفته بود که تنها ۱۵ هزار یورو همراه خود دارد اما زمانی که مأموران چمدان او را جست‌وجو کردند ۸۴ هزار و ۴۳۰ یورو به همراه ۷ هزار و ۷۱۰ دلار کشف کردند.

در ادامه این گزارش آمده است، زمانی که از ریاض سلامه خواسته شد درباره وجود این مقدار پول غیرقانونی در چمدان خود توضیح دهد، او گفت که فراموش کرده بود این مقدار پول در کیفش گذاشته است. پرونده فساد ریاض سلامه و نزدیکان او سال‌هاست که در دستگاه‌های قضایی اروپا تحت پیگرد و تحقیق قرار دارد؛ در حالی که قوه قضائیه لبنان با وجود درخواست‌ها و هشدارهای مکرر از جانب اتحادیه اروپا هیچ اقدام ملموس و مؤثری برای رسیدگی به این پرونده و محکوم کردن رئیس بانک مرکزی انجام نداده است. آن گونه که منابع آگاه لبنانی می‌گویند، عمده‌ترین عامل مصونیت ریاض سلامه، حمایت مقامات این کشور از وی است.

www.ft.com/content/bdcfb31d-1fe9-4c94-88a6-0c5e5aeb68b7



چک‌لیست عمومی برای شناسایی حوزه‌های در معرض خطر تعارض منافع



یک فرایند اداری مؤثر لازم است تا ریسک موقعیت‌های تعارض منافع شناسایی و کاهش یابد یا حداقل به طور مؤثری مدیریت شود.

❖ برای شناسایی حوزه‌هایی که مدیران سازمانی در معرض خطر موقعیت‌های تعارض منافع قرار دارند چک‌لیست‌هایی وجود دارد. یکی از این چک‌لیست‌ها توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ طراحی و ارائه شده است. این چک‌لیست شامل پرسش‌هایی در حوزه‌های مشخص است. برای اغلب پرسش‌های یک فرایند اداری مؤثر لازم است تا ریسک موقعیت‌های تعارض منافع شناسایی و کاهش یابد یا حداقل به طور مؤثری مدیریت شود. بنابراین در صورت پاسخ «بله»، کاربران باید این سؤال را از خود بپرسند که «فرایندهای اداری مرتبط با آن کدام‌اند و آیا مؤثر هستند؟». در صورتی که پاسخ «خیر» باشد، کاربران باید از خود بپرسند «چرا فرایندهای اداری مرتبط وجود ندارند و چه باید انجام شود تا یک فرایند مؤثر ایجاد شود؟».

موضوعات و پرسش‌های چک‌لیست

۱. اشتغال فرعی اضافی

- آیا سازمان یک سیاست و فرایند اداری مرتبط را برای تصویب اشتغال فرعی / اضافی تعریف کرده است؟
- آیا همه کارمندان از وجود این سیاست یا فرایند آگاه هستند؟
- آیا این سیاست، تعارضات منافع بالقوه ناشی از اشتغال‌های فرعی اضافی را برای مدیران به هنگام ارزیابی فرم‌های درخواست شغلی، آشکار می‌کند؟
- آیا یک فرایند صدور مجوز رسمی که در آن کارمندان با استفاده از آن بتوانند در یک اشتغال فرعی پس از بازنشستگی از شغل فعلی، در آن مشغول به کار شوند، وجود دارد؟
- آیا سیاست‌ها به صورتی همیشگی و مسئولانه به کار می‌روند تا کارمندان را از به کارگیری صدور مجوز ناامید نکند؟
- آیا صدور مجوزها به صورت دوره‌ای مورد بازبینی قرار می‌گیرند تا از مناسب بودن آن‌ها اطمینان حاصل شود؟

۲- اطلاعات داخلی

- آیا سازمان دارای یک سیاست و فرایند اداری مشخص برای تضمین این موضوع هست که اطلاعات داخلی، به ویژه اطلاعات مهم مربوط به اعتماد شهروندان یا دیگر مراجع رسمی در اختیار کارمندان، محافظت می‌شود و مورد سوءاستفاده کارمندان قرار نمی‌گیرد؟ به ویژه در زمینه‌های:
 - اطلاعات حساس تجاری
 - اطلاعات مرتبط با مالیات و مقررات مالی
 - اطلاعات حساس شخصی
 - اطلاعات مربوط به اجرای قانون و تعقیب قضایی
 - سیاست اقتصادی دولت و اطلاعات مدیریت مالی
- آیا همه کارمندان از وجود سیاست و فرایند در این زمینه آگاهی دارند؟
- آیا همه مدیران از مسئولیت‌های گوناگون برای اجرای این سیاست آگاهی دارند؟

۳- قراردادهای

- آیا سازمان تضمین می‌کند که کارمندانی که درگیر آماده‌سازی، مذاکره، مدیریت یا اجرای یک قرارداد هستند، سازمان را از هرگونه منافع شخصی مرتبط با قرارداد آگاه می‌سازند؟
- آیا سازمان، کارمندان را از شرکت در هرگونه

فعالیت مرتبط با یک قرارداد که در آن نفع شخصی دارند، منع کرده است؟

- آیا در صورت اثبات اینکه فرایند یک قرارداد به خاطر تعارض منافع به شکل قابل‌ملاحظه‌ای به خطر افتاده است، سازمان قدرت لغو یا اصلاح آن قرارداد را به نفع خود دارد؟



آیا سازمان، کارمندان را از شرکت در هرگونه فعالیت مرتبط با یک قرارداد که در آن نفع شخصی دارند، منع کرده است؟

- درجایی که یک قرارداد به عنوان موقعیت تعارض منافع شناسایی می‌شود که در آن یک مقام فعلی یا پیشین درگیر آن هستند، آیا سازمان به صورت گذشته‌نگر، تصمیمات مهم اتخاذ شده به وسیله آن مقام را ارزیابی می‌کند تا مطمئن شود آن‌ها نیز به صورت مشابه

در معرض چنین خطری بوده‌اند یا خیر؟

۴. تصمیم‌سازی رسمی

- آیا سازمان تضمین می‌کند که هر کارمندی که تصمیمات مهمی اتخاذ می‌کند که به نوعی سازمان، منابع آن، استراتژی‌ها، کارمندان، وظایف و مسئولیت‌های اداری را شامل می‌شود، سازمان خود را از هرگونه منافع خصوصی مرتبط با آن تصمیم که می‌تواند یک تعارض منافع ایجاد کند آگاه می‌سازد؟

- آیا سازمان، کارمندان را از مشارکت در آماده‌سازی، مذاکره، مدیریت یا اجرای یک تصمیم رسمی که در آن دارای نفع شخصی هستند، منع می‌کند؟
- آیا در صورت اثبات این موضوع که فرایند تصمیم‌گیری به دلیل تعارض منافع یا یک اقدام فاسد به خطر افتاده است، آن سازمان از طریق قانون یا دیگر ابزارها، قدرت بازبینی یا اصلاح یک تصمیم رسمی را دارد؟

۵- امور مشاوره در سیاستگذاری

- آیا سازمان تضمین می‌کند که هر کارمندی که به مقامات رسمی در رابطه با هر نوع اقدام مربوط به سیاستگذاری، استراتژی، قانون، خصوصی‌سازی، بودجه، انتصابات و فرایندهای اداری مشاوره می‌دهد، سازمان را از هرگونه





آیا سازمان، موقعیت‌های بالقوه تعارض منافع ناشی از اشتغال یا فعالیت تجاری عضو از نزدیکان درجه یک کارمندان را شناسایی می‌کند؟

- تعارض منافع مرتبط با آن مشاوره آگاه سازد؟
- آیا سازمان می‌تواند کارمندان را از شرکت در هرگونه آماده‌سازی، مذاکره یا طرفداری از یک توصیه رسمی که دارای منافع مرتبط با آن مشاوره یا توصیه هستند، منع کند؟
- آیا سازمان قدرت بازنگری و کنار گذاشتن یک مشاوره رسمی را در صورتی که ثابت شود، در فرایند آن مشاوره، تعارض منافع وجود داشته است، دارد؟
- ۶- هدایا و دیگر اشکال منفعت
- آیا سیاست جاری سازمان با تعارض منافع ناشی از دو شکل سنتی و جدید هدایا و منافع برخورد می‌کند؟
- آیا سازمان یک فرایند اداری تثبیت‌شده برای کنترل هدایا به وسیله تعریف هدایای قابل قبول و غیرقابل قبول، پذیرش انواع خاصی از هدایا از طرف سازمان، برگرداندن هدایای غیرقابل قبول، توصیه به دریافت کنندگان در مورد چگونگی رد هدایا و اعلام هدایای با ارزش پیشنهاد شده یا دریافت شده توسط مقامات، دارد؟
- ۷- انتظارات و فرصت‌های شخصی، خانوادگی و اجتماعی
- آیا سازمان، موقعیت‌های بالقوه تعارض منافع ناشی از انتظارات نزدیکان درجه یک یا دیگر اعضای جامعه شامل جوامع نژادی، مذهبی به ویژه در بافت‌های چند فرهنگی را شناسایی کرده است؟
- آیا سازمان، موقعیت‌های بالقوه تعارض منافع ناشی از اشتغال یا فعالیت تجاری عضو از نزدیکان درجه یک کارمندان را شناسایی می‌کند؟
- ۸. اشتغال هم‌زمان خارج از سازمان
- آیا سازمان شرایطی را تعریف کرده است که در آن یک مقام دولتی بتواند یک شغل هم‌زمان را در هیئت‌مدیره یک سازمان دیگر برعهده بگیرد، به‌ویژه جایی که آن دستگاه با سازمان مربوط به واسطه



- قرارداد یا شکل‌های دیگری از همکاری در ارتباط است؟ برای مثال:
- یک گروه اجتماعی یا سازمان مردم‌نهاد
- یک سازمان حرفه‌ای یا سیاسی
- یک سازمان یا دستگاه دولتی دیگر
- یک شرکت دولتی یا سازمان تجاری عمومی
- آیا در آن سازمان یا در یک قانون، شرایط ویژه‌ای برای مقامات دولتی تعریف شده است که بتوانند هم‌زمان در فعالیت دیگری خارج از سازمان یا بخش خصوصی مشغول شوند؟
- ۹- فعالیت در یک سازمان مردم‌نهاد یا تجاری بعد از ترک خدمت دولتی
- آیا در آن سازمان یا یک قانون، شرایط ویژه‌ای تعریف شده است که براساس آن یک مقام رسمی پیشین بتواند در یک سازمان دیگر استخدام یا مشغول به فعالیت شود؟
- آیا سازمان در جایی که یک مقام دولتی در حال ترک شغل دولتی است و در حال مذاکره برای یک انتصاب یا اشتغال یا دیگر فعالیت‌های مرتبط با یک سازمان دیگر در آینده است، فرایندهای تعارضات منافع بالقوه را به صورت فعالانه شناسایی می‌کند؟
- در جایی که یک مقام رسمی، سازمان را برای اشتغال یا فعالیت در یک نهاد غیردولتی ترک کرده است، آیا سازمان به‌صورتی گذشته‌نگر، تصمیماتی را که به‌وسیله آن شخص در دوران اشتغال در سازمان گرفته است مورد بازبینی قرار داده است تا مطمئن شود که آن تصمیمات، در معرض خطر تعارض منافع بوده‌اند یا خیر؟

منبع:

OECD publication (2005), Managing conflict of interest in the public sector, A toolkit

توصیه‌هایی برای قانون‌گذاری در زمینه تعارض منافع

- ❖ درگاه اینترنتی مرکز منابع ضد فساد (U4) در مقاله‌ای با موضوع تعارض منافع و چگونگی قانون‌گذاری در آن به مشکل تعارض منافع مقامات دولتی به‌ویژه با تمرکز بر قانون‌گذاری برای مقامات منتخب و مهم‌ترین راه‌هایی که می‌توان با تعارض منافع در این زمینه مقابله کرد، پرداخته است. در این مقاله سه نوع قانون‌گذاری شامل ممنوعیت‌ها بر روی فعالیت‌ها، اعلام و افشای منافع و خارج شدن از فرایندهای تصمیم‌گیری و اینکه چگونه این قوانین به بهترین وجه مورد عمل قرار گیرند، مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده نیاز به واقع‌گرایانه بودن و متناسب بودن قانون‌گذاری برای انواع مختلف مقامات و برای شرایط خاص هر کشور را خاطر نشان کرده است. همچنین مهم‌ترین توصیه‌ها یا درس‌های آموخته شده از تجارب کشورهای در ارتباط با قانون‌گذاری در زمینه تعارض منافع را ارائه داده است که در این نوشتار این توصیه‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:
- ۱. در زمان طراحی قوانین، واقع بین بودن بسیار مهم است. مقامات دولتی یا افراد نزدیک به آن‌ها منافع دارند که می‌تواند به صورت بالقوه با منافع عمومی در تعارض باشد. این مورد به‌ویژه در مورد نمایندگان منتخب مصداق دارد. بنابراین هدف قانون‌گذاری باید منع هرگونه منفعی باشد که ممکن است ناشی از تعارض منافع است.
- ۲. قانون‌گذاری باید به‌صورتی ارائه شود که آن‌هایی که مدنظر قانون هستند – چه کارمندان و چه مقامات منتخب – در چارچوب قانونی خودشان دیده شوند. قوانین تعارض منفعی که در قوانین داخلی نهادها گنجانده شده باشد، نیاز کمتری به نظارت و اجرای قانون از سطوح بالاتر دارند.

- ۳. ممنوعیت‌های منطقی در مورد فعالیت‌های خارج از سازمان کارمندان، مهم است. باین وجود برای مقامات منتخب تأکید قوانین باید بوظایف افشای منافع شخصی باشد.
- ۴- تکالیف مربوط به افشای منافع – به‌ویژه در زمینه‌های مالی – اهمیت کلیدی در مقابله با تعارض منافع دارد و باید برای تمامی بخش‌های رسمی در نظر گرفته شود. باین وجود مهم است که چنین وظایفی به نحوی تعریف شوند که متمرکز بر منافع و مقامات مرتبط بوده و تضمین کند که فرایند اعلام منافع، پیچیدگی نداشته باشد. وظایف افشای منافع همچنین باید با حق حفظ حریم خصوصی در تعادل قرار گیرد.
- ۵. قوانین و مقررات باید به نحوی طراحی شوند که امکان مشارکت مقامات منتخب در موضوعاتی که به صورت واضح در آن‌ها دارای تعارض منافع هستند، وجود نداشته باشد، اگرچه اهمیت دارد این قوانین مانع از اجرای وظایف نمایندگی آن‌ها نشود.
- ۶. به‌منظور به‌کارگیری قوانین تعارض منافع (و به‌صورتی گسترده‌تر، دستورالعمل رفتاری و منشور اخلاقی) توصیه می‌شود تا یک مقام رسمی دائمی برای نظارت بر اجرای قانون تعارض منافع، ارائه راهنمایی، توصیه و رسیدگی به شکایات و گزارش‌ها تعیین شود.
- ۷. بسیار مهم است که مشکلات اجرا در خدمات مدنی و کشوری در نظر گرفته شود – به‌ویژه تعیین دقیق سطح مقامات رسمی‌ای که کارمندان دولت باید به آن‌ها گزارش دهند و اطمینان از اینکه هر دستگاه نظارتی از ظرفیت کافی برای انجام چنین کاری برخوردار باشد.

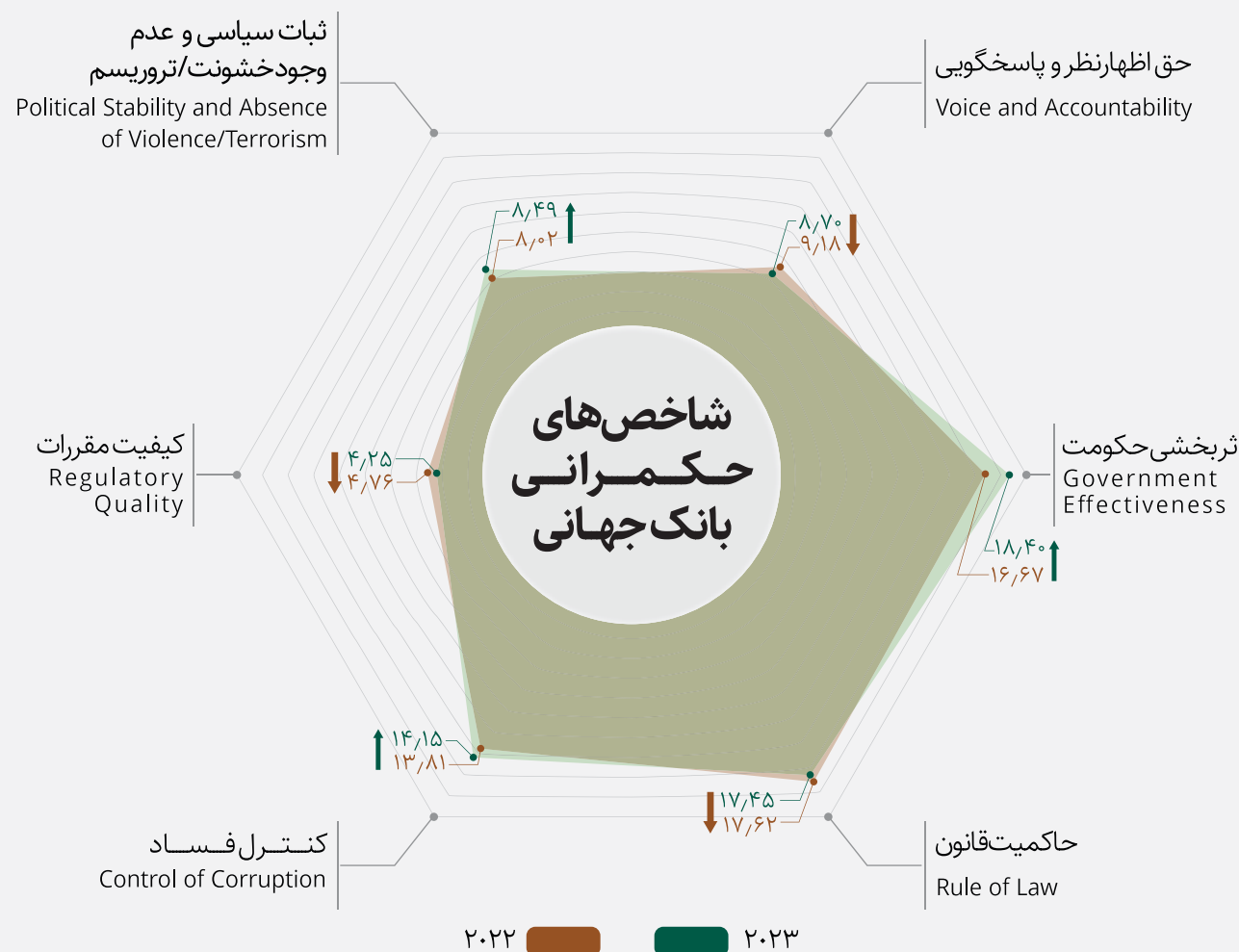
منبع:

Quentin Reed, sitting on the fence, Conflicts of interest and how to regulate them, U4 issue 2008:6

نگاهی به جدیدترین گزارش شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی

❖ بانک جهانی از سال ۱۹۹۶ تاکنون به صورت سالیانه به بررسی وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف جهان می‌پردازد و نتایج این بررسی در گزارشی با عنوان شاخص‌های حکمرانی جهانی (Worldwide Governance Indicators) منتشر می‌گردد. این شاخص‌ها، شاخص‌هایی ترکیبی هستند که

در پی اندازه‌گیری کیفیت حکمرانی درشش بعد می‌باشد. عدد صفر پایین‌ترین و ۱۰۰ بالاترین امتیاز است. به نظر می‌رسد آگاهی از نتایج این گزارش، فارغ از نقد‌های احتمالی وارد بر آن، حائز اهمیت است.



بررسی امتیاز ایران در گزارش سال ۲۰۲۳ و مقایسه آن با گزارش ۲۰۲۲

منبع: www.govindicators.org

تأملی بر «گلوگاه فساد» در ادبیات بین‌المللی مبارزه با فساد

کشورهای حوزه این دریا، اقداماتی غیرقانونی را در ارتباط با اعطای مجوز، توسعه یا بهره‌برداری از منابع غنی گاز و نفت بستر این دریا انجام می‌دهند.

۲- علت ریشه‌ای فساد^۲

اگر فرض کنیم بسیاری از فساد‌های یک کشور یا یک حوزه، ریشه در یک فعالیت یا موقعیت خاص دارد، عبارتی که در متون علمی مبارزه با فساد، توصیف‌کننده آن فعالیت یا موقعیت خاص است، «علت ریشه‌ای» نامیده می‌شود. علت ریشه‌ای یک مشکل، علت زیربنایی یا منبعی است که ایجادکننده آن مشکل است. در زمینه فساد در یک کشور، شناسایی علت ریشه‌ای می‌تواند در پرداختن و توجه به مسائل بنیادی به جای اصلاح روبناها و نشانه‌ها، کمک‌کننده باشد.

براساس یک مطالعه پیمایشی انجام شده در سال ۲۰۱۷، موارد زیر به عنوان مهم‌ترین علل ریشه‌ای فساد تشخیص داده شده‌اند:

- سطح بالای بوروکراسی و ساختارهای اداری ناکارآمد
- سطوح پایین دموکراسی، مشارکت مدنی ضعیف و شفافیت پایین سیاسی
- سطح پایین آزادی مطبوعات
- سطح پایین آزادی اقتصادی
- فقر
- عدم ثبات سیاسی
- بیکاری
- حق مالکیت ضعیف
- سطوح پایین آموزش
- فقدان سیاست‌های مناسب ضد فساد

۳- کانون بحرانی فساد^۳

کانون بحرانی عبارتی است که در تحلیل سیستم‌ها،

2- Therootcauseofcorruption
3- CorruptionCriticalChokepoint

❖ در حوزه ادبیات مبارزه با فساد یکی از واژه‌هایی که طی سال‌های اخیر بین پژوهشگران و فعالان مبارزه با فساد ایران رواج گسترده‌ای داشته است عبارت «گلوگاه فساد» و به دنبال آن استفاده از ترکیبات دیگری همچون «شناسایی گلوگاه‌های فساد» و... بوده است. اما نکته قابل ذکر اینکه هم‌زمان دیدگاه‌های متفاوتی در بین کارشناسان حوزه سلامت اداری و مبارزه با فساد درباره مفهوم دقیق این کلمه و مصادیق آن در جریان بوده است. برخی آن را معادل مهم‌ترین مسائل موجود در حوزه‌های مختلف دانسته و مزمن بودن آن مسئله یا تکرار یک فساد خاص را در آن حوزه، معادل گلوگاه فساد دانسته‌اند و برخی دیگر نیز معتقدند که شاخص فراوانی یک فساد یا سابقه طولانی آن به تنهایی برای اطلاق گلوگاه فساد کافی نیست و باید ملاک‌های دیگری را نیز در نظر بگیریم مانند اینکه یک فساد «علت ریشه‌ای» فساد‌های متعدد دیگر نیز بوده باشد. این نوشتار قصد داوری در مورد اینکه کدام یک از دیدگاه‌های مختلف در مورد مفهوم گلوگاه فساد صحیح است را ندارد؛ بلکه با بررسی ادبیات بین‌المللی در حوزه مبارزه با فساد تلاش دارد تا **واژه‌هایی که به این مفهوم نزدیک هستند** را از متون علمی استخراج کرده و معانی و تعاریف آن‌ها را نیز با استفاده از همان منابع ارائه دهد تا مخاطبان، خود با مقایسه آن‌ها و تفاوت‌های ظریفی که با یکدیگر دارند، به شناخت بهتری از این مفهوم و مصادیق آن دست یابند.

۱- بستر فساد^۱

این واژه، موقعیت یا فعالیتی را توصیف می‌کند که فساد به ویژه در آن شایع یا حکم فرما است و اینکه یک موقعیت یا فعالیت، عامل مهمی در ارتقایا به وجود آمدن فساد است. به عنوان مثال با وقوع جنگ میان کشورهای اوکراین و روسیه بسیاری از کارشناسان معتقد هستند دریای سیاه تبدیل به بستر فساد در حوزه نفت و گاز شده است. در کشاکش جنگ اوکراین و روسیه، به نظر می‌رسد هر کدام از

1- Corruption Hotbed

مهندسی و مدیریت به کار می‌رود و نقطه‌ای از یک سیستم یا فرایند را توصیف می‌کند که شکست یا مشکل در آن می‌تواند تأثیر مهمی بر تمامی سیستم داشته باشد. به عبارت دیگر یک کانون بحرانی نقطه‌ای مهم برای کارکرد یک سیستم است و خرابی در آن نقطه می‌تواند موجب شکست کل سیستم شود یا حداقل به‌صورتی جدی کارایی آن را تحت تأثیر قرار دهد. در زمینه فساد، کانون بحرانی، اشاره به یک نقطه خاص، فعالیت یا موقعیتی دارد که در آن احتمال رخ دادن فساد وجود دارد و توجه کردن به نقطه ضعف در آن کانون می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش فساد در سطح وسیع‌تر یک سیستم شود. به عنوان مثال در فرایند تأمین تدارکات دولتی، کانون بحرانی می‌تواند انتخاب تأمین‌کنندگان یا انعقاد قراردادهای باشد. اگر نقطه ضعفی مانند عدم شفافیت یا پاسخگویی، در این نقطه افزایش وجود داشته باشد، فساد رخ داده می‌تواند منجر به بی‌کفایتی‌ها، هدر رفتن اموال یا کاهش اعتماد عمومی به حکومت شود. توجه به این نقاط ضعف با به کارگیری یک سازوکار نظارت و بازرسی قوی، افزایش شفافیت و بهبود پاسخگویی می‌تواند در کاهش فساد و افزایش کارایی و درستکاری در فرایند تأمین تدارکات مؤثر باشد.

شناسایی کانون‌های بحرانی یک‌قدم
مهم در طراحی استراتژی‌های ضد فساد است.
باتمركز بر این نقاط، سیاست‌گذاران و فعالان



شناسایی کانون‌های بحرانی
فساد در یک کشور می‌تواند
به سیاست‌گذاران و فعالان
مبارزه با فساد کمک کند
تا مداخلات هدفمندی
را به منظور توجه به علل
ریشه‌ای فساد و کاهش
اثرات بر اقتصاد و جامعه
داشته باشند.

حوزه مبارزه با فساد می‌تواند مداخلات هدفمندی را برای توجه به علل ریشه‌ای فساد و کاهش تأثیر آن‌ها بر کل سیستم داشته باشد.

چه مواردی رami توان کانون های بحرانی فساد در یک کشور تلقی کرد؟

فساد می‌تواند در سراسر بخش‌های دولتی و خصوصی یک کشور و همچنین جامعه مدنی رخ دهد. شناسایی کانون‌های بحرانی فساد در یک کشور می‌تواند به سیاست‌گذاران و فعالان مبارزه با فساد کمک کند تا مداخلات هدفمندی را به منظور توجه به علل ریشه‌ای فساد و کاهش اثرات بر اقتصاد و جامعه داشته باشند. در زیر مثال‌هایی از کانون‌های بحرانی فساد در یک کشور ارائه شده است:

- تأمین تدارکات دولتی؛ فرایندهای تأمین تدارکات دولتی در صورت وجود سازوکارهای نظارتی ضعیف، می تواند منجر به قیمت های متورم، کیفیت پایین خدمات و کالاهای و هدر رفت منابع و اموال عمومی شود.

- گمرک و کنترل مرزی: فرایندهای گمرک و کنترل مرزی به‌ویژه در کشورهایی که دارای سازوکارهای نظارتی مناسب و کارآمد نیستند، می‌تواند منجر به قاچاق کالا و فرار از مالیات و فرایندهای گمرکی شود.

- اجرای قانون: نهادهای اجرای قانون به‌ویژه در کشورهایی با سطح پایین شفافیت و پاسخگویی، می‌توانند نسبت به فساد آسیب‌پذیر باشند که این امر می‌تواند منجر

به سوءاستفاده از قدرت، مصونیت از مجازات و تضعیف کردن حاکمیت قانون شود.

- اداره مالیات: فرایندهای اداری مالیات در صورت فقدان سازوکارهای نظارتی قوی می‌توانند نسبت به فساد آسیب‌پذیر بوده و منجر به فرار مالیاتی، از دست رفتن درآمدها برای دولت و رقابت ناسالم تجاری شود.

- فرایندهای سیاسی و انتخاباتی: فرایندهای سیاسی و انتخاباتی به ویژه در کشورهایی با سطح پایین شفافیت و پاسخگویی می‌تواند منجر به دستکاری در انتخابات، خرید رأی و تضعیف نهادهای دموکراتیک شود.

- نظام‌های مالی و بانکی: نظام‌های مالی و بانکی به ویژه در کشورهای با سازوکارهای

نظارتی ضعیف می‌توانند نسبت به فساد آسیب‌پذیر باشند و منجر به پولشویی، تجارت غیرقانونی ذی‌نفعان داخلی و دیگر اقدامات فاسدی شود که سلامت نظام مالی را تضعیف می‌کند.

- مدیریت منابع طبیعی: مدیریت منابع طبیعی به ویژه در کشورهای باسازوکارهای نظارتی ضعیف می تواند نسبت به فساد آسیب پذیر باشند. چنین چیزی می تواند منجر به بهره برداری از منابع طبیعی برای نفع شخصی، آسیب های محیط زیستی و از دست رفتن درآمد برای دولت شود.

منبع:

[www.poe.com/Alsoftware/Questionsand
answersaboutcorruption](http://www.poe.com/Alsoftware/Questionsandanswersaboutcorruption)



فساد در نظام بانکی و نمونه‌های موفق مبارزه با آن

- **اختلاس:** دزدی یا استفاده نادرست از وجوه به وسیله شخصی که به او اعتماد شده است؛

- تعارض منافع: عمل به‌کارگیری یک جایگاه شغلی یا اختیارات در یک نهاد مالی برای کسب منافع شخصی که اغلب به هزینه مشتریان و موکلان انجام می‌شود؛

- **حق حساب:** پرداخت پول یا دیگر منافع به شخصی درازای انجام یک رفتار مطلوب یا ارائه فرصت‌های تجاری؛

فساد در نظام بانکی نه تنها برای اشخاص و نهادهای دخیل، بلکه همچنین برای کل اقتصاد و جامعه می‌تواند نتایج وخیمی به همراه داشته باشد. این فساد می‌تواند اعتماد عمومی را به نهادهای مالی بین‌بیردوریسکو و عدم قطعیت را در نظام مالی افزایش داده و به تئوریک کشور آسیب وارد کند. بنابراین کاهش فساد در نظام بانکی اولویت اساسی برای سیاستمداران و فعالان ضد فساد در سراسر دنیا محسوب می‌شود.

فساد در نظام بانکی چیست؟

❖ فساد در نظام بانکی به هر نوع نادرستی یا رفتار غیر اخلاقی از سوی افراد و یا نهادها در صنعت امور مالی اشاره دارد که منجر به کسب منافع شخصی با تحمیل هزینه به دیگران می‌شود. این نوع از فساد در نظام بانکی می‌تواند شکل‌های گوناگونی داشته باشد:

- رشوه: عمل پیشنهاد یا قبول پول، هدیه یا دیگر منافع در ازای انجام یک لطف یا اتخاذ یک تصمیم؛

- **تقلب:** فریب عمدی یا ارائه اطلاعات نادرست برای کسب منافع مالی شخصی؛

- پولشویی: فرایند پنهان کردن فعالیت‌های غیرقانونی در قالب سرمایه‌گذاری‌های قانونی؛

- تجارت غیرقانونی داخلی: استفاده از اطلاعات غیرعمومی برای خرید یا فروش سهام یا کسب دیگر مزایای مالی در جهت نفع شخصی؛



کاهش فساد در نظام بانکی نیاز به یک رهیافت چندوجهی دارد که به علل ریشه‌ای فساد توجه کند و به چالش‌هایی بپردازد که کشور در به‌کارگیری اقدامات مؤثر ضد فساد با آن‌ها روبه‌رو است.

چالش‌های کاهش فساد در نظام بانکی

کاهش فساد در نظام بانکی کاری پیچیده است که می‌تواند چالش‌های مهمی را در برابر کشورها قرار دهد. برخی از چالش‌هایی که کشورها ممکن است در تلاش برای کاهش فساد در نظام بانکی‌شان با آن مواجه شوند، عبارت‌اند از:

۱. **چارچوب‌های قانونی ضعیف:** یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در زمینه کاهش فساد در نظام بانکی وجود چارچوب‌های قانونی ضعیف است. در برخی از کشورها قوانین و مقررات ممکن است قدیمی و ناکافی بوده یا به‌خوبی تقویت نشده باشند که این موضوع فرصت‌های انجام اقدامات فاسد را بیشتر و آسان‌تر می‌سازد.

۲. **فقدان شفافیت:** بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی ممکن است فاقد شفافیت لازم باشند که این موضوع نظارت بر این نهادها را از سوی نهادهای نظارتی مشکل می‌سازد. چنین امری می‌تواند فرصت‌هایی را برای بروز فساد مهیا کند، به‌ویژه اگر پاسخگویی وجود نداشته باشد.

۳. **منابع محدود:** نهادهای نظارتی یا مجری قانون ممکن است منابع محدودی برای بازرسی یا پیگیری قضایی موارد فساد در نظام بانکی داشته باشند که می‌تواند به فقدان بازدارندگی لازم برای اقدامات فسادانگیز منجر شود.

۴. **عوامل فرهنگی:** در برخی از کشورها عوامل فرهنگی می‌توانند در بروز فساد نظام بانکی نقش داشته باشند. برای مثال فرهنگ خویشتن‌گرایی یا فقدان اعتماد به حکومت می‌تواند توجه و رسیدگی مؤثر به فساد را مشکل‌تر سازد.

۵. **مداخله سیاسی:** دخالت سیاسی در نظام بانکی می‌تواند یک چالش مهم در برابر تلاش‌ها برای کاهش فساد باشد. سیاستمداران ممکن است از نفوذشان برای محافظت از اقدامات فاسدشان یا جلوگیری از نظارت یا قانونگذاری‌های مؤثر برای مبارزه با فساد استفاده کنند.

۶. **تعاملات فرامرزی:** در دنیایی که به‌سرعت در حال جهانی‌شدن است، تعاملات فرامرزی می‌تواند چالش‌هایی را برای کشورهایی که در جست‌وجوی کاهش فساد در نظام بانکی خود هستند، به‌وجود آورد. سازمان‌های جنایی ممکن است از بانک‌ها در کشورهای مختلف برای پولشویی استفاده کنند یا آن‌ها را درگیر اقدامات مجرمانه خود کنند و بنابراین ردیابی و بازرسی آن را برای نهادهای بازرسی مشکل می‌سازد.

۷. **پیشرفت‌های فناوری:** رشد سریع پیشرفت‌های فناوریانه در بخش بانکی نیز می‌تواند چالش‌هایی را برای کشورهایی که در پی کاهش فساد هستند، به‌وجود آورد. فناوری‌های جدید مانند ارزهای دیجیتال و روش‌های پرداخت دیجیتالی می‌توانند جریان‌های مالی غیرقانونی و پولشویی را تسهیل کنند که این موضوع، کار را برای شناسایی و برخورد با فساد سخت‌تر می‌کند.

آن نیز مصداق دارد. این کشور طیف متنوعی از اقدامات را برای کاهش فساد در بخش مالی انجام داده است. اقداماتی مانند مقررات سخت‌درمورد نهادهای مالی، افزایش شفافیت و پاسخگویی و ایجاد یک فرهنگ قوی از رفتار اخلاقی.

۴. **کانادا:** کانادا کشور دیگری است که به نحوی موفقیت‌آمیز فساد را در نظام بانکی خود کاهش داده است. این کشور طیفی از اقدامات ضد فساد از جمله برقراری یک چارچوب نظارتی مناسب که بر شفافیت و پاسخگویی تأکید دارد، افزایش نظارت بر نهادهای مالی و فرهنگ رفتار اخلاقی را پیاده نموده است.

در هر کدام از این کشورها کاهش فساد در نظام بانکی یک اولویت است و سیاست‌گذاران و فعالان مبارزه با فساد بردلایل ریشه‌ای فساد از طریق مداخلات هدفمند و چارچوب نظارتی قوی متمرکز شده‌اند. ویژگی مشترک این کشورها در کاهش فساد بانکی را می‌توان در اقدامات زیر خلاصه کرد:

۱. **چارچوب‌های قانونی قوی:** این کشورها همگی دارای یک چارچوب قانونی بسیار قوی و توسعه‌یافته هستند که قوانین و مقررات واضحی برای نهادهای مالی فعال در کشور وضع کرده‌اند. به‌عنوان مثال در نروژ، نهاد عالی نظارت بر امور مالی (Finanstilsynet)، مسئولیت

قانونگذاری و نظارت بر بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی را برعهده دارد.

۲. **سازوکارهای نظارتی مؤثر:** نهادهای نظارتی در این کشورها طیف متنوعی از اقدامات نظارتی را برای اطمینان از اینکه بانک‌ها و نهادهای مالی کاملاً مطابق با الزامات قانونی عمل کرده و در فضایی شفاف و اخلاقی اقدامات خود را انجام می‌دهند به‌کار می‌گیرند. این سازوکارها شامل بازرسی در محل، نظارت‌های از راه دور و الزامات گزارش‌دهی منظم است.

۳. **اقدامات ضد پولشویی:** این کشورها اقدامات پیشگیرانه سختی را برای جلوگیری از جریان مالی غیرقانونی از طریق نظام بانکی اتخاذ کرده‌اند. به‌عنوان مثال در سنگاپور بانک‌ها موظف‌اند تراکنش‌های مالی مشکوک را رصد کرده و هرگونه تراکنش مشکوک را به مقامات گزارش کنند.

۴. **تقویت شفافیت:** کشورهای فوق، اقدامات مختلفی را برای شفافیت در نظام بانکی انجام داده‌اند که شامل الزام بانک‌ها به ارائه اطلاعات درمورد ساختار مالکیت بانک، عملکرد مالی خود و اقداماتی است که در راستای مدیریت ریسک انجام داده‌اند.

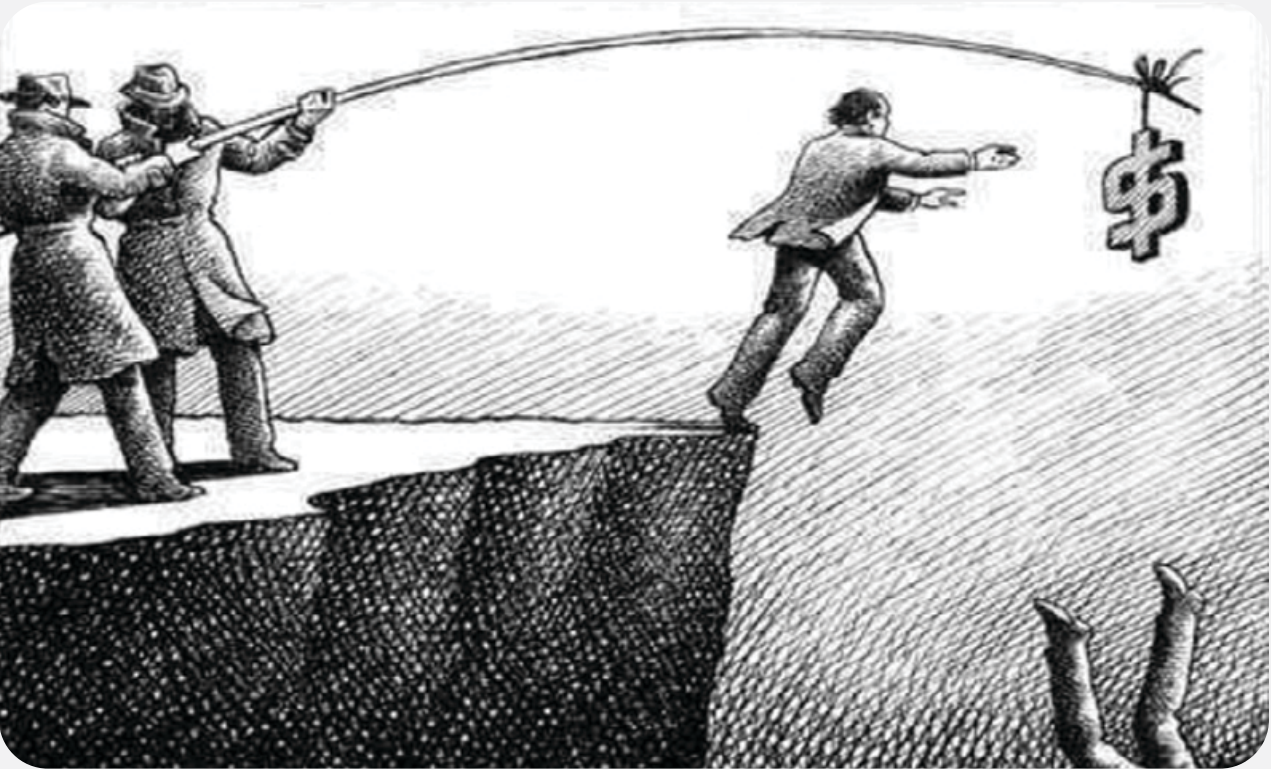
۵. **فرهنگ بالای درستکاری:** این کشورها عموماً دارای یک فرهنگ رفتار اخلاقی قوی هستند که در بخش بانکی نیز مصداق دارد. به‌عنوان مثال

در سنگاپور، فرهنگ تحمل صفر در برابر فساد به‌خوبی در رفتار اخلاقی مردم این کشور نهادینه شده است. بنابراین انتظار می‌رود که بانک‌ها استانداردهای بالای اخلاقی را حفظ کرده و مقامات نیز موضع سختی را در قبال نقض این استانداردها اتخاذ کنند.

۶. **محافظت از افشاگران:** این کشورها قوانین مستحکمی در ارتباط با محافظت از افشاگران دارند که کارمندان را به گزارش هر نوع اقدام نادرست و مشکوک در سازمان‌ها و از جمله بانک‌ها تشویق می‌کند. این موضوع به تضمین اینکه هر نوع اقدام فساد شناسایی‌شده و سریعاً مورد رسیدگی قرار گیرد، کمک شایانی کرده است.

منابع:

- Seumas Miller, The Global Banking Sector: Corruption, Institutional Purpose and Economic Justice, Business & Professional Ethics Journal, Vol.37, No.1 (Spring 2018), pp.13–44 (32 pages) Published By: Philosophy Documentation Center
- https://unafei.or.jp/publications/pdf/RS_No83/No83_17VE_Koh1.pdf
- https://hkbedc.icac.hk/en/sector_industry/banking_and_finance
- <https://cba.ca/fast-facts-the-canadian-banking-system>
- https://delna.lv/wp-content/uploads/2016/11/delna_corruption-1.pdf



هنر پولشویی

نه چندان شفاف به خریداران نامعلوم یا نماینده‌های آنان فروخته می‌شود. محیطی غیرشفاف که بسیار مستعد اقدامات مجرمانه از قبیل پولشویی است.

بازار خاص

دنیای هنر با انجام معاملات با ارزش بالا و خریدهای مجرمانه، به عنوان پناهگاه بالقوه کسانی که به دنبال پولشویی وجوه غیرقانونی خود هستند، شناخته شده است. فعالیت‌های مرتبط با پولشویی در بازار هنر شامل استفاده از آثار هنری برای پنهان کردن منبع و مالکیت ثروت غیرقانونی است. این امر با خرید و فروش آثار هنری، افزایش قیمت آن‌ها یا مخفی کردن مالکیت واقعی آثار هنری از طریق روش‌های مختلف مانند شرکت‌های ناشناس خارج از کشور به دست می‌آید. متأسفانه ماهیت بازار هنر با نبود مقررات و مبادلات غیرشفاف، تشخیص و جلوگیری از این فعالیت‌ها را برای مسئولان دشوار می‌کند. در نتیجه، دنیای هنر همچنان برای مجریان قانون و ناظران به عنوان نگرانی مهم باقی می‌ماند. تخمین زده می‌شود که میزان فروش آثار هنری و عتیقه‌جات توسط دلال‌ها و خانه‌های حراج در سال ۲۰۲۱ به حدود ۶۵٫۱ میلیارد دلار رسید که مانند بسیاری از تجارت‌های بزرگ، افرادی را به سوی خود جذب می‌کند که به دنبال سوءاستفاده از آثار هنری برای پاک‌سازی عواید ناشی از جرم یا فرار از مالیات هستند.

آسیب‌پذیری‌های بازار هنر

در حالی که حوزه هنرهای زیبا و فعالیت‌های مجرمانه ممکن است دنیایی جدا از هم به نظر برسند، اما سطح جرائم مرتبط با دنیای هنر، قابل توجه است. سازمان شفافیت بین‌الملل تخمین زده است که میلیارد‌ها پوند در بریتانیا و «بهشت‌های مالیاتی آن» در معاملاتی با عنوان آثار هنری، جواهرات و وسایل کلکسیونی

❖ هنگامی که شاگردان مدرسه نقاشی لئوناردو داوینچی، تابلوی «سالواتور موندی» را طراحی می‌کردند، برایشان غیرقابل باور بود که این اثر هنری ۵۰۰ سال بعد به عنوان گران‌ترین تابلوی نقاشی جهان به فروش برسد. اما این اتفاق در چهارشنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۷ رخ داد، زمانی که حراج کریستیز در نیویورک شاهد فروش این اثر به عنوان گران‌ترین اثر هنری تاریخ به مبلغ ۴۵۰ میلیون دلار بود. طبق روال معمول در این گونه معاملات، هویت خریدار رسماً اعلام نشد، اگرچه مطابق اعلام منابع معتبر، خریدار اصلی آن محمد بن سلمان ولیعهد عربستان بوده که از طریق یک واسطه این خرید را انجام داده است. محل نگهداری این اثر هنری در حال حاضر موزه لوور ابوظبی اعلام شده است. موضوع فروش آثار هنری در حراجی‌ها به قیمت‌های نجومی به همین مورد ختم نمی‌شود. سالانه صدها اثر هنری در روندهایی



ماهیت بازار هنر با نبود مقررات و مبادلات غیرشفاف، تشخیص و جلوگیری از این فعالیت‌ها را برای مسئولان دشوار می‌کند. در نتیجه، دنیای هنر همچنان برای مجریان قانون و ناظران به عنوان نگرانی مهم باقی می‌ماند.



در جریان است. علت جذابیت دنیای هنر برای مجرمان، ویژگی‌های خاصی است که بازار هنر را در برابر سوءاستفاده از سوی کسانی که به دنبال پولشویی و اقدامات مجرمانه هستند، آسیب‌پذیر می‌کند. عمده‌ترین آن‌ها شامل موارد زیر است:

ارزش بالا و قابلیت حمل: یک اثر هنری فردی می‌تواند میلیون‌ها دلار ارزش داشته باشد – اغلب بیش از ارزش املاکی که در آن نگهداری می‌شود – با این حال، برخلاف ملک، این اثر هنری به راحتی قابل معامله، حمل و نقل بین‌المللی و نگهداری جداگانه است.

فقدان ضوابط و فرهنگ مجرمانگی: خطرات ناشی از قابلیت حمل آثار هنری با فقدان مقررات و فرهنگ مجرمانگی در نحوه خرید و فروش آثار هنری ترکیب می‌شود. در حالی که برخی از حوزه‌های قضایی (مانند اتحادیه اروپا و بریتانیا) مقررات قابل توجهی را در مورد معاملات مربوط به آثار هنری معرفی کرده‌اند، اکثر آن‌ها رویکردی عمدتاً ضعیف برای نظارت بر این بازار دارند. در بسیاری از حوزه‌های قضایی، قوانین ضد پولشویی به معاملات هنری اعمال نمی‌شود، به این معنی که هیچ الزام قانونی برای خریدار یا فروشنده به منظور تأیید هویت طرف دیگر وجود ندارد.

قیمت‌گذاری سلیقه‌ای و قابل دستکاری: قدرتانی از هنر، سلیقه‌ای است. ارزش‌گذاری آثار هنری نیز همین طور است. برخلاف سایر دارایی‌های با ارزش مانند املاک و مستغلات، ارزش دقیق یک اثر هنری می‌تواند بسیار متغیر و پیش‌بینی آن دشوار باشد. در نتیجه، برای مجرمان آسان است که مبالغ پولی مربوط به معاملات هنری را بدون ایجاد سوءظن دستکاری کنند.

سوءاستفاده از انبارهای مناطق آزاد تجاری: خطر پولشویی مرتبط با بازار هنر از طریق تأسیسات و انبارهای ذخیره‌سازی بنادر آزاد (انبارهای بسیار ایمن واقع در مناطق ویژه اقتصادی) افزایش می‌یابد که معمولاً خارج از حوزه مالیاتی کشوری که در آن واقع شده‌اند، قرار دارند و اغلب برای ذخیره اقام با ارزش بالا مانند آثار هنری استفاده می‌شوند. بنابراین، کسانی که به دنبال پولشویی درآمدهای حاصل از اقدامات مجرمانه هستند، می‌توانند به راحتی آثار هنری با ارزش بالا را در این مخفیگاه‌های بدون مالیات، اغلب با حداقل بررسی هویتی و بدون نیاز به انتقال این دارایی‌ها از مرزهای

بین‌المللی، خریداری نموده، بفروشند یا نگهداری کنند.

اقدامات قانونی

همان‌طور که می‌دانیم، پولشویی ماهیتاً یک جرم ثانویه است؛ یعنی ابتدا باید جرمی اتفاق بیفتد تا برای کتمان کردن و ایجاد پوشش قانونی عواید حاصل از آن، پولشویی اتفاق بیفتد. جرم اولیه می‌تواند آدم‌ربایی، قاچاق کالا، کلاهبرداری، فرار مالیاتی، ارتشاء و... باشد. برای انجام پولشویی سازوکارهای مختلفی از جمله تبدیل عواید مجرمانه یا انتقال آن‌ها وجود دارد. این کار با تبدیل پول و ارز به جواهرات با ارزش و کم‌حجم یا انتقال پول‌های غیرقانونی از کشوری به کشور دیگر ذیل پوشش تجارتي قانونی با هدف پنهان کردن منشأ مجرمانه آن‌ها اتفاق می‌افتد. یک گام اساسی در جلوگیری از سوءاستفاده از بازار آثار هنری، ارائه مقررات قوی و قوانین ضد پولشویی است که به اندازه کافی معاملات در بازار هنر را تحت نظارت قانونی قرار می‌دهد. تعدادی از کشورها قبلاً قوانینی را معرفی کرده‌اند که تضمین می‌کند معامله‌گران آثار هنری تحت همان پادمان‌های قوانین ضد پولشویی و سایر الزامات نظارتی مانند دیگر بخش‌های آسیب‌پذیر در برابر سوءاستفاده از پولشویی همچون بخش بانکی قرار می‌گیرند. در این راستا، در سال ۲۰۱۸ اتحادیه اروپا، اعمال دستورالعمل قوانین ضد پولشویی را به کسانی که تراکنش‌های مربوط به معاملات آثار هنری را انجام می‌دهند، مشروط بر آنکه ارزش تراکنش ۱۰۰۰۰ یورو یا بیشتر باشد، تسری داد. این اصلاحات همچنین کاربرد دستورالعمل مذکور را به تجارت و نگهداری آثار هنری در بندرها و مناطق آزاد تجاری نیز گسترش داد.

علاوه بر این، بریتانیا مقررات مربوط به پولشویی، تأمین مالی تروریسم و انتقال وجوه (اطلاعات در مورد پرداخت‌کننده) را در سال ۲۰۱۷ به روزرسانی نموده تا «فعالان بازار آثار هنری» را تحت پوشش نظارت‌های خود قرار دهد. این بدان معناست که کسانی که با فروش، خرید یا ذخیره آثار هنری بیش از ارزش ۱۰۰۰۰ یورو سروکار دارند، ملزم به ثبت نام و احراز هویت خود در سازمان درآمد بریتانیا هستند.

با این وجود، تصویب و اجرای قوانین ضد پولشویی در بخش هنر در سراسر جهان هماهنگ

نیست و چندین حوزه قضایی به طرز قابل توجهی در این زمینه عقب مانده‌اند. به عنوان مثال، در ایالات متحده، در حالی که قانونگذاران در سال ۲۰۲۲، قوانین ضد پولشویی را برای تسری به دلالات عتیقه‌گسترش دادند، محدود کردن اخیر قانون مذکور، مانع از تسری آن به دلالات آثار هنری شد. در عین حال چارچوب قوانین ضد پولشویی کشور سوئیس به طور خاص برای تراکنش‌های هنری که شامل ارزش یک صد هزار فرانک است، اعمال می‌شود که با سایر کشورهای اروپایی ناهم‌هنگ است.

گاه‌گاهی قفسی می‌سازم بارنگ؛ می‌فروشم به شما

عصر روز جمعه ۳۰ تیرماه ۱۴۰۲، هتل پارسیان آزادی تهران میزبان افرادی بود که برای شرکت در هفدهمین دوره حراج تهران که به فروش آثار هنر مدرن و معاصر ایران اختصاص داشت، گردهم آمدند. این حراجی که کپی‌برداری از رویدادهای مشابه خارجی مانند حراج کریستیز به شمار می‌رود، در سال‌های اخیر با حجم قابل‌ملاحظه و بعضاً غیرعادی معاملات آثار هنری عرضه‌شده، مورد توجه منتقدان قرار گرفته است. جالب است بدانید در دوره اخیر حراج تهران ۱۱۰ اثر برای فروش عرضه شد که سرانجام رقم کلی معاملات آن روز حدود ۲۱۱ میلیارد تومان بود.



رکورد این دوره حراج مربوط به تابلوی بدون عنوان اثر سهراب سپهری، شاعرونقاش شناخته‌شده بود (یک منظره همراه با پرکه آب و دوشقایق سرخ و نیم تنه درخت متعلق به دهه ۱۳۴۰) که به قیمت ۲۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان به فروش رسید. در همین روز اثر دیگری از سهراب سپهری به قیمت ۱۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان فروخته شد.

سهراب سپهری که روزگاری تابلوهایش را به کمترین قیمت ممکن (حدود ۳ یا ۶ هزار تومان) می‌فروخت و به گفته نزدیکانش عقیده داشت که قیمت تابلو باید به میزانی باشد که حتی کارمندان هم بتوانند آن را قسطی بخرند؛ مشخص نیست اگر در قید حیات بود و در حراج تهران حضور می‌یافت با دیدن این قیمت‌های عجیب و غریب چه نظری در مورد فروشندگان و خریداران چنین آثاری داشت.

به عقیده برخی منتقدان، معاملات غیرمتعارف آثار هنری در حراج تهران نیز ظن پولشویی را مطرح می‌نماید. روزنامه شرق در تیتراول خود به تاریخ ۷ بهمن ۱۳۹۹، در مطلبی با عنوان «مقصد پنهان پولشویان» به مصاحبه با حسین صابری، محقق و مدرس در حوزه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، پرداخت. ایشان ضمن اشاره به حساسیت‌های بازار آثار هنری و جذابیت‌های آن برای مرتکبان پولشویی و فرار مالیاتی، تأکید نمود که «همواره وقتی صحبت از حراج‌های تهران می‌شود، ظن پولشویی نیز ذهن را درگیر می‌کند و شاید بتوان گفت نام حراج تهران با پولشویی در اذهان تقریباً مترادف شده است».

لازم به ذکر است در آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۱۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پولشویی به مواردی مانند عتیقه‌جات، فرش و... اشاره شده است. متولی نظارت نیز گمرکات و مرکز اطلاعات مالی و مبارزه با پولشویی وزارت امور اقتصادی و دارایی و یا سایر دستگاه‌های ذی‌ربط حسب موضوع می‌باشند اما تاکنون نتایج بررسی در این زمینه (در صورت انجام) اطلاع‌رسانی نگردیده است و تا زمانی که تغییری در روند فعلی قیمت‌گذاری و نظارت بر معاملات آثار هنری اتفاق نیفتد، شاهد قیمت‌های نجومی برای آثاری در ایران و جهان خواهیم بود که پدیدآورندگان آن‌ها به دور از هیاهوی حراج‌های معروف و قیمت‌های نجومی پیشنهادی خریداران ناشناس، عمدتاً در فقر و گمنامی روزگار گذرانده‌اند.

منابع:

- <https://www.imf.org/en/publications/fandd/issues/2019/09/the-art-of-money-laundering>
- <https://sanctionsscanner.com/blog/money-laundering-activities-in-the-art-world-223>
- <https://boldergroup.com/insights/blogs/money-laundering-in-the-art-market>

پدیده درب گردان و سازوکارهای مقابله با آن در نروژ^۱

❖ جابه جایی های کارمندان و مقامات دولتی میان بخش عمومی و بخش خصوصی یکی از مسائل مهم در بسیاری از کشورهاست. انتقال کارمندان و مدیران بخش دولتی به بخش خصوصی می تواند موجب ایجاد منافعی در بخش خصوصی برای کارمندان شود و زمینه را برای تعارض منافع و ناکارآمدی خدمات ارائه شده در بخش عمومی فراهم کند. این پدیده که در ادبیات مبارزه با فساد از آن با عنوان «درب گردان» یاد می شود، دارای پیامدهای مثبت و منفی متعددی است.

هرچند جابه جایی اشخاص بین بخش عمومی و خصوصی آثار مثبتی همچون انتقال تجارب، مهارت و تخصص بخش خصوصی به بخش دولتی به همراه دارد، اما پیامدهای نامطلوب آن به حدی است که مدیریت و محدود سازی این نوع جابه جایی ها را ضروری می سازد. مهم ترین این پیامدهای نامطلوب عبارت اند از: تضعیف اعتماد عمومی، فساد قانونی و مصادره قوانین، سوء استفاده از اطلاعات درون سازمانی، جابه جایی طرفینی در نظارت و مقررات گذاری و افزایش رفتارهای تبعیض آمیز. کشورهای مختلف با توجه به ساختارهای حقوقی و ویژگی های متفاوت خود، کم و بیش دچار این پدیده در حوزه های مختلف هستند و برای مدیریت آن راهکارهایی را اتخاذ کرده اند. برخی از کشورها قوانین سخت گیرانه ای برای مدیریت این پدیده

۱- برگرفته از «مروری بر ادبیات جهانی پدیده درب گردان (جابه جایی اشخاص بین بخش خصوصی- عمومی)، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵

وضع نموده و برخی دیگر تا حد زیادی این پدیده را به دلیل منافعش آزاد گذاشته اند.

نروژ از جمله کشورهایی است که اقدامات مناسبی برای کاهش عوارض پدیده درب گردان در نظام دولتی خود اتخاذ کرده است. از این رودر این بخش، اقدامات این کشور در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است.

اصول حاکم بر مدیریت دولتی در نروژ

در نروژ در خصوص جابه جایی کارمندان دولتی از بخش عمومی به بخش خصوصی، حفظ اعتماد عمومی هم در اداره دولتی و هم در بین کارمندان، حائز اهمیت است. درستکاری و بی طرفی پیش نیازهای پایه ای برای پذیرفتن هر مسئولیتی در بخش عمومی هستند. مدیران و کارکنان بخش عمومی باید بی طرف و مستقل باشند. همچنین مهم است که شهروندان، ادارات دولتی را به مثابه نهادی عادل، بی طرف و قانونمند بشناسند.

اهمیت و ضرورت تحرک بین بخش های عمومی و خصوصی، بدون موانع غیر ضروری، برای بخش عمومی و نیز سیاستمداران، در برخی دستورالعمل هایی که در ادامه تشریح خواهد شد، مورد تأکید قرار گرفته است. دستورالعمل های اشتغال پسادولتی که ضوابط مربوط به عدم صلاحیت موقتی و پرهیز از درگیری مودی را تشریح می کنند، مکمل تعدادی از قوانینی هستند که با هدف حفظ درستکاری و بی طرفی بخش عمومی وضع شده اند.

اقدامات نروژ در مقابله با پدیده درب گردان

پارلمان نروژ در اواخر دهه ۱۹۹۰، نگرانی هایی را در مورد مشاغل پسادولتی مورد توجه و تأکید قرار داد. این نگرانی ها در گزارش سال ۲۰۱۰ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت و گام های کلیدی که در اصلاح خط مشی بخش عمومی نروژ، مرتبط با موضوع اشتغال پسادولتی و پدیده درب گردان، برداشته شده را معرفی و ویژگی های کلیدی و سازوکارهای اعمال آن ها را بررسی کرده است.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پیش تر نیز در گزارشی در سال ۲۰۰۳، برخی شیوه های مدیریت تعارض منافع در خدمات بخش عمومی را معرفی کرد. در سال ۲۰۰۵ دولت نروژ ضمن بررسی راه حل های پیشنهادی، سه اقدام را برای ترویج درستکاری در دولت انجام داد:

- ۱- تصویب دستورالعمل های اشتغال پسادولتی برای خدمات عمومی؛
- ۲- تصویب دستورالعمل های اشتغال پسادولتی برای سیاستمداران؛
- ۳- تصویب دستورالعمل های اخلاقی برای خدمات عمومی.

یک موضوع مهم در اشتغال پسادولتی این بود که در تمام قراردادهای اشتغال و از ابتدای رابطه شغلی، عبارت «عدم صلاحیت موقتی» و «پرهیز از اشتغال در موارد خاص ۲» (در ارتباط با انتقال به یک شغل جدید) باید درج شود. طبق نظر حقوقدانان، راه حلی که در نهایت برگزیده شد این بود که این عبارات فقط در موارد خاص یا برای موقعیت های خاص استفاده شود.

پس از تصویب دستورالعمل های اشتغال پسادولتی برای خدمات عمومی، دولت تصمیم گرفت که قوانین مشابهی برای سیاستمداران نیز در نظر گرفته شود. لذا دستورالعمل های اشتغال پسادولتی برای سیاستمداران در همان سال تصویب و در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۵ به اجرا درآمد. تغییر دولت در سپتامبر ۲۰۰۵، اولین آزمون برای کاربرد دستورالعمل ها بود. دستورالعمل های اخلاقی برای خدمات عمومی نیز در سپتامبر ۲۰۰۵ و بعد از ارزیابی های گسترده برای مدیران ارشد دولت مرکزی تصویب و منتشر شد.

1- Temporary Disqualification
2- Abstinence from Involvement in Certain Cases

دستورالعمل های اشتغال پسادولتی برای خدمات عمومی

با وجود اینکه سازمان های دولتی به طور معمول در بازار رقابتی فعالیت نمی کنند، اعمال محدودیت در اشتغال پسادولتی برای آن ها، به عنوان کارفرمای بخش خصوصی، ضرورت دارد. سه عامل خاص در نروژ وجود دارد که اقداماتی از جمله «عدم صلاحیت موقتی» و «پرهیز از اشتغال در موارد خاص» را توجیه می کند:

- نیاز به محافظت از اطلاعات درونی، دولت باید سازمان های دیگر را از گرفتن اطلاعات در مورد استراتژی ها و برنامه های اداره دولتی باز دارد چرا که چنین اطلاعاتی می تواند منجر به منافع غیرقانونی و نقض رقابت شود.



با وجود اینکه سازمان های دولتی به طور معمول در بازار رقابتی فعالیت نمی کنند، اعمال محدودیت در اشتغال پسادولتی برای آن ها، به عنوان کارفرمای بخش خصوصی، ضرورت دارد.

- نیاز به محافظت از اطلاعات محرمانه مبادله شده با سایر سازمان ها؛ دولت باید از دسترسی سازمان ها یا شرکت های خصوصی به اطلاعات محرمانه سایر سازمان ها و شرکت ها جلوگیری کند چون چنین اطلاعاتی می تواند منجر به منافع غیرقانونی و نقض رقابت شود.

- نیاز به محافظت از اعتماد عمومی به دولت در خدمات عمومی؛ سازمان های اداری دولتی باید تلاش کنند تا از این بدگمانی که یک کارمند دولت از موقعیت خود بهره می برد تا منافع ویژه ای به یک سازمان بخش خصوصی برساند، جلوگیری کنند. چنین سوءظن هایی می تواند اعتماد عمومی نسبت به دولت را در خصوص درستکاری و بی طرفی دولت، ضعیف کند.

در برخی موارد، ماهیت یک منصب دولتی ایجاب می کند که عبارتی در مورد «عدم صلاحیت موقتی» و «پرهیز از اشتغال در موارد خاص» از ابتدای رابطه اشتغال و در قرارداد درج شود. چنین عبارتی در درجه اول در خصوص مناصب زیر اعمال می شود:

- شغل های کلیدی، موقعیت های اجرایی یا موقعیت های با مسئولیت و تأثیر خاص؛
 - موقعیت های با ارتباط نزدیک با مشاغل که در بالا اشاره شد؛
 - موقعیت های با اختیار مذاکره یا خرید (تدارکات دولتی).
- چنانکه بیان شد، هر دو مجموعه دستورالعمل های اشتغال پسادولتی، معیارها و محدودیت های جدیدی برای سیاستمداران و کارمندان دولتی ایجاد کرده است؛



«عدم صلاحیت موقتی»؛ این مورد به ممنوعیت شش ماهه بعد از ترک شغل اشاره دارد و برای کارمندی اعمال می‌شود که بخواهد توسط بخش خصوصی استخدام شود یا خدماتی برای بخش خصوصی انجام دهد که می‌تواند با حوزه مسئولیتش به‌عنوان کارمند دولتی یا سیاستمدار در ارتباط باشد.

«پرهیز از اشتغال در موارد خاص»؛ این حالت نیز به ممنوعیت یک‌ساله کارمند بعد از ترک شغل اشاره دارد که نمی‌تواند در موضوعات یا محیط‌های مرتبط با حوزه مسئولیت قبلی‌اش به‌عنوان کارمند دولتی یا سیاستمدار، شاغل شود. براساس مفاد قرارداد اشتغال که در ابتدا امضا می‌شود، کارمند دولتی باید هر موقعیت یا پیشنهاد شغلی جدید از سوی بخش خصوصی را به کارفرما (دولت) اطلاع دهد. کارفرما ممکن است بر مبنای تقاضای کارمند، معافیت کامل یا ناقص از «عدم صلاحیت موقتی» و «پرهیز از اشتغال در موارد خاص» را به کارمند بدهد. کارمند این حق را دارد که در دوره عدم صلاحیت موقتی، از سوی کارفرمای دولتی دستمزد دریافت کند. این دستمزد باید مرتبط با دستمزد موقعیتی که ترک کرده به‌علاوه پرداخت‌های مربوط به تعطیلات باشد.

دستورالعمل‌های اشتغال

پس ادولتی برای سیاستمداران

دستورالعمل‌های اشتغال پس‌ادولتی برای سیاستمداران تقریباً مشابه دستورالعمل‌های خدمات دولتی است با چند استثنا، که عمدتاً مربوط به فرایند و تصمیم‌گیری درخصوص ممنوعیت‌های اشتغال پس‌ادولتی و موارد استثناست.

در نروژ، «کمیته دائمی درانتصاب‌های سیاسی بیرونی»^۳ اختیار تصمیم‌گیری درخصوص ممنوعیت یا مجاز بودن یک سیاستمدار، برای همکاری با مؤسسات خارج از دولت (بخش خصوصی) بعد از دوره اشتغال دولتی به‌عنوان وزیر، دبیر سیاسی یا مشاور سیاسی را دارد. برای تضمین استقلال تصمیم‌گیری، اعضای این کمیته

3- Standing Committee on Outside Political Appointments



از طریق حکم سلطنتی منصوب می‌شوند و دولت نمی‌تواند به آن‌ها دستور دهد. کمیته دائمی در انتصاب‌های بیرونی می‌تواند براساس معیارهای زیر حکم کند:

- عدم صلاحیت موقتی – تا شش ماه – تنها در برخی موارد درخواست می‌شود و در زمانی که ارتباط واضحی بین حوزه مسئولیت قبلی سیاستمدار و منافع سازمان‌های مرتبط وجود دارد. کمیته دائمی در انتصاب‌های سیاسی بیرونی همچنین می‌تواند تعیین کند که یک سیاستمدار نمی‌تواند تا شش ماه بعد از ترک شغل برای سازمانی بیرون از خدمات دولتی نروژ کار کند در صورتی که در زمان مسئولیت دولتی وی، مزایای مخصوصی به آن سازمان داده شده باشد.

- به‌جای اعمال عدم صلاحیت موقتی برای یک سیاستمدار، ممکن است به او دستور داده شود که از اشتغال در برخی موارد خاص برای یک سال پرهیز کند. گزاره «پرهیز از اشتغال در موارد خاص» در اینجا به ممنوعیتی اشاره می‌کند که در مورد سیاستمدارانی اعمال می‌شود که قصد انجام فعالیت در موضوع یا حوزه‌ای که به‌طور مستقیم در اثر سیاستمدار بودن درگیر بوده‌اند، را دارند.

حداقل دو هفته قبل از شروع موقعیت جدید در بخش خصوصی، سیاستمدار باید

به‌طور داوطلبانه کمیته را در مورد موارد زیر مطلع کند:

- شروع کاری جدید یا قبول کردن موقعیت شغلی خارج از خدمات عمومی؛ و
- شروع یک کسب‌وکار.

دستورالعمل‌های اخلاقی بخش عمومی

نروژ دارای شماری قوانین کیفری و غیرکیفری است که بر ارزش‌ها و اخلاقیات خدمات عمومی تأثیر دارد. استانداردهای اخلاقی، در تدوین قوانین و مقررات اثر دارد و از این جنبه، دستورالعمل‌های اخلاقی، مکمل قوانین حقوقی موجود هستند. «دستورالعمل‌های اخلاقی از ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی با اعتبار همگانی از جمله عدالت، وفاداری، صداقت، قابلیت اعتماد، راستگویی و این قاعده طلایی که با دیگران همان‌طور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، شکل گرفته‌اند».

نقض دستورالعمل‌های اخلاقی بخش عمومی، مجازات خاصی را دربر ندارد اما به‌طور مثال نقض بندهایی که بر تعارض منافع اثر می‌گذارد، می‌تواند منجر به نامعتبر اعلام شدن تصمیمات شود. به این معنا که اگر فردی تصمیمی بگیرد که نقض دستورالعمل‌های اخلاقی محسوب و منجر به تعارض منافع شود، ممکن است تصمیمش نامعتبر اعلام و نقض شود.

❖ با توجه به گستردگی نظام اداری در ایالات متحده، سیستم تدارکات فدرال در این کشور بسیار گسترده است. این نظام تدارکاتی، خرید کالاها و خدماتی را پوشش می‌دهد که حجم آن در چند سال گذشته مجموعاً بیش از ۵۳۰ میلیارد دلار در هر سال بوده است. بنابراین حفاظت از این سیستم برای دور ماندن از فساد، کاری دشوار است. نظام مزبور دارای چهار ویژگی عمده است:

- سیستم تأمین کالا در بخش دولتی در این کشور سابقه طولانی دارد و مبتنی بر تمهیدات قانونی و نظارتی دقیقی است.
- ایالات متحده از کادری از متخصصان حقوق مالکیت در اجرای تدارکات استفاده می‌کند.
- قوانین به‌طور کلی برای دولت فدرال یکنواخت اما در اجرا تا حد زیادی غیرمتمرکز است.
- سیستم ایالات متحده تأکید زیادی بر رقابت، شفافیت و پاسخگویی دارد.

۱- برگرفته از کتاب Corruption and Conflicts of Interest اثر جین برنارد اویی، امانوئل برین و توماس پرود



پیشگیری از تعارض منافع در نظام تدارکاتی ایالات متحده آمریکا^۱

در ایالات متحده به‌طور معمول امکان انعقاد قرارداد براساس «بهترین ارزش»^۲ فراهم شده است که براساس آن کارمندان مسئول قرارداد، مجازند به‌جای انتخاب صرف براساس قیمت یا سایر عوامل عینی و قابل سنجش، از بین پیشنهادهای مختلف براساس برداشت خود، انتخاب کنند.

گستره فساد در سیستم تدارکات فدرال ایالات متحده

هرچند داده‌های قطعی درباره میزان فساد در نظام تدارکاتی فدرال در دسترس نیست اما داده‌های فعلی نشان می‌دهد که فساد در نظام تدارکاتی فدرال در مقایسه با فساد گزارش شده در برخی دیگر از نظام‌ها، نسبتاً نادر است. با این حال فساد در میان ایالت‌های مختلف متفاوت بوده و برخی از ایالات بیشتر در معرض فساد هستند.

2- Best value

PROCUREMENT



ترجیح رقابت و الزام به شفافیت، هدایت پاداش‌ها به شرکت‌های موردعلاقه را از نظر قانونی و عملی دشوار می‌سازد و سازوکارهای پاسخگویی گسترده و شفاف، پنهان کردن اقدامات فاسد را دشوار می‌کند.

قوانین سختگیرانه و پیچیده‌ای نیز وجود دارد که کارهایی را که کارمندان خاص فدرال، به‌ویژه مقامات عالی‌رتبه، قبل و بعد از ترک خدمت دولتی می‌توانند انجام دهند، محدود می‌کند. هنگامی که مقامات بلندپایه و منصوبان سیاسی، دولت را ترک می‌کنند، محدودیت‌های پس از استخدام، اغلب تماس مجاز آن‌ها را با کارمند سازمان فدرالی سابق‌شان را (و در برخی موارد، حتی برخی از مقامات خاص در سازمان‌های دیگر) به نمایندگی از شخص دیگر، محدود می‌کند. این قوانین حاکم بر «درپ گردان» بین دولت و صنعت به‌ویژه در زمینه تدارکات مهم است، زیرا مقامات عالی‌رتبه دولتی، پس از بازنشستگی، اغلب برای کار به صنعتی می‌روند که از آن کالا و خدمات تهیه می‌کردند. کسانی که در ارتش ایالات متحده خدمت می‌کنند می‌توانند در سن نسبتاً جوانی بازنشسته شوند لذا انتقال به آن صنعت در این سن و سال می‌تواند بسیار جذاب باشد و پدیده رایجی وجود دارد که افسران نظامی بازنشسته برای پیمانکاران بزرگ دفاعی کار می‌کنند. یادگیری و کار از خلال محدودیت‌های پسا‌شغلی به یک گام متداول در یکی دو سال پایانی مشاغل نظامی و همچنین در سایر مشاغل دولتی تبدیل شده است.

قوانین تعارض منافع که درباره پیمانکاران و کارکنان آن‌ها اعمال می‌شود

به دلیل استفاده فزاینده دولت از پیمانکاران در انجام خدمات، این مطالبه وجود دارد که حداقل برخی از قوانین تعارض منافع که در مورد کارمندان فدرال اعمال می‌شود باید به کارکنان پیمانکار نیز تعمیم داده شود. واقعیت این است که در بسیاری از دفاتر دولت فدرال، کارمندان دولت و کارمندان پیمانکار در کنار یکدیگر کار می‌کنند و ماهیت کاری که انجام می‌دهند ممکن است کاملاً مشابه باشد باین حال کارمندان فدرال تابع قوانین پیچیده‌ای هستند که به‌طور خلاصه در بالا ذکر شد، در حالی که کارکنان پیمانکار مشمول مقررات بسیار کمتری هستند.

یکی دیگر از حوزه‌های دارای اهمیت فزاینده در قرارداد‌های فدرال از دهه ۱۹۹۰، تعارض منافع سازمانی^۷ است. تعارض منافع سازمانی زمانی ایجاد می‌شود که یک شرکت، خدماتی را به دولت ارائه دهد، به‌ویژه خدماتی که مستلزم اعمال دآوری است.

محدودیت‌های مربوط به تعارض منافع سازمانی و تعریف آن، در مقررات مالکیت فدرال ظاهر می‌شود، اما عموماً در قوانین موضوعه وجود ندارد؛ از لحاظ تاریخی، مقررات

همچنین محدودیت‌هایی برای هدایایی که کارمندان فدرال می‌توانند دریافت کنند، وجود دارد. این محدودیت‌ها بسیار فراتر از ممنوعیت رشوه است. آن‌ها معمولاً نمی‌توانند به مافوق خود هدیه‌ای بدهند و یا از کارمند فدرالی که دستمزد کمتری از خودشان می‌گیرد، هدیه‌ای بپذیرند. همچنین محدودیت‌های سختی در خصوص هدایایی وجود دارد که یک کارمند فدرال ممکن است از اشخاص خارج از دولت بپذیرد. قوانین، بسیاری دقیق هستند و استثناات زیادی وجود دارد؛ به عنوان مثال، یک استثنا برای ممنوعیت هدایای کارمندان به مافوق خود در مورد هدایای خاص مانند هدیه روز تولد وجود دارد، اما این استثنا در صورتی که ارزش نقدی هدیه بیش از ۱۰ دلار باشد، اعمال نمی‌شود.

علاوه بر این، کارمندان فدرال درباره کارهایی که می‌توانند در دستگاه‌های غیردولتی انجام دهند، به دلیل نگرانی از اینکه رابطه با آن دستگاه ممکن است بر عملکرد آن‌ها در انجام وظایف دولتی‌شان تأثیر بگذارد و اینکه هرگونه منفعت مرتبط با این رابطه می‌تواند ناحق تلقی شود، محدود شده‌اند. حتی در موارد مجاز (مانند داوطلب در فعالیت‌های سازمان‌های غیرانتفاعی)، اعلام و تأیید آن توسط سازمان اخلاق دولتی اغلب مورد نیاز است.

علاوه بر این، کارمندان فدرال بر اساس قانون موسوم به «قانون هچ»^۸، در فعالیت‌های سیاسی که انجام می‌دهند محدود می‌شوند. این قانون کارمندان قوه مجریه را از درخواست کمک‌های سیاسی و شرکت در فعالیت‌های سیاسی در حین انجام وظیفه منع می‌کند.

6- Hatch Act

خود استفاده نمی‌کنند و اینکه امور دولتی تحت تأثیر منافع شخصی کارکنان فدرال قرار نمی‌گیرند، متمرکز است. نقض بسیاری از قوانین و مقررات می‌تواند مجازات‌های کیفری و مدنی به همراه داشته باشد. قانون اصلی در این زمینه قانون قواعد اخلاقی در دولت، مصوب سال ۱۹۷۸ است که بعداً اصلاح شده است.

بر اساس قانون مزبور و مقررات وضع‌شده توسط دفتر قواعد اخلاق دولتی^۵، کارمندان دارای مسئولیت در حوزه‌های حساس (مانند تدارکات) ملزم به پرکردن فرم‌های اعلام مالی هستند. هر چند مقررات خاص مربوط به این موضوع، بسیار پیچیده است اما به‌طور کلی می‌توان گفت که معاملات، اموال و دیون بالاتر از مبالغ خاص باید افشا شود. برای مقامات سطح بالاتر، افشای اطلاعات، جنبه عمومی دارد اما برای دیگران، محرمانه است.

فرم‌های افشای مالی برای اطمینان از این موضوع است کارمندان در حوزه‌ای که بین کارهای دولتی و منافع مالی شخصی آن‌ها تعارض منافع وجود دارد، کار نمی‌کنند. هر چند فرض بر این است که کارمندان خود را از آن موقعیت‌ها کنار می‌کشند اما این فرم‌ها برای کمک به ناظران و همچنین احتمالاً برای اطمینان دادن به عموم مردم است.

5- Office of Government Ethics (OGE)

بلکه بیشتر به دلیل ویژگی‌های ذکر شده است. ایالات متحده دارای یک سنت طولانی از حاکمیت قانون حاکم بر تدارکات است. وجود شرکت‌های تدارکات حرفه‌ای به این معنی است که مقاماتی با آموزش‌های لازم برای اجرای قوانین وجود دارند، و هر اقدام نادرست مستلزم همکاری مقامات و سایر افراد دخیل است و این کار را برای کسی که سعی در انجام فساد در نظام تدارکات دارد را پیچیده می‌کند. ترجیح رقابت و الزام به شفافیت، هدایت پاداش‌ها به شرکت‌های موردعلاقه را از نظر قانونی و عملی دشوار می‌سازد و سازوکارهای پاسخگویی گسترده و شفاف، پنهان کردن اقدامات فاسد را دشوار می‌کند.

قوانین تعارض منافع که در مورد کارمندان فدرال اعمال می‌شود

کارمندان فدرال تحت پوشش مجموعه‌ای از قوانین پیچیده هستند که هدف آن‌ها پیشگیری از تعارض منافع و سایر زمینه‌های مورد دغدغه است. هر چند این قوانین طیفی از موضوعات مختلف از استفاده از اموال دولتی گرفته تا محدودیت در انتشار مطالب مکتوب را پوشش می‌دهد اما این قوانین عمدتاً بر اطمینان از اینکه مقامات فدرال از مناصب دولتی برای منافع خصوصی

موارد فساد هم شامل فساد سرسخت^۳ مانند رشوه و پورسانت است که به صورت نقدی یا سایر انواع دارایی بین پیمانکاران و مقامات دولتی رد و بدل می‌شود و هم شامل فساد نرم‌تر مانند استفاده از فرایند قانونگذاری برای گنجاندن مقرراتی در لایه‌ای قانون که یک سازمان را ملزم به انجام اقداماتی کند که تأثیر قابل پیش‌بینی برای کمک به آن شرکت دارد. این کار معمولاً از طریق تخصیص اعتباراتی است که آن سازمان را به خرید کالا‌های خاص هدایت می‌کند یا خدماتی که توسط آن شرکت به فروش می‌رسد.

سازوکار پاسخگویی اولیه در خصوص تدارکات در ایالات متحده یعنی سیستم اعتراض به مناقصه، موارد فساد را به صورت کامل کشف نمی‌کند. دیوان محاسبات^۴ و دادگاه دعوای فدرال، که هر ساله در مورد صدها اعتراض تصمیم می‌گیرند، معتقدند که سازمان‌های پیمانکار، قوانین یا مقررات تدارکات را نقض کرده‌اند اما آن‌ها عملاً هرگز به فساد اشاره نمی‌کنند و در عوض، معمولاً نتیجه‌گیری آن‌ها علیه سازمان مذکور این است که از قوانین پیروی نکرده است.

باین وجود، برداشت از میزان فساد در سیستم تدارکات فدرال ایالات متحده، محدود است. اعتبار آن در وهله نخست به مقررات مربوط به تعارض منافع نیست

3- Hardcore
4- GAO



قوانین حاکم بر «درب گردان» بین دولت و صنعت به ویژه در زمینه تدارکات مهم است، زیرا مقامات عالی رتبه دولتی، پس از بازنشستگی، اغلب برای کار به صنعتی می روند که از آن کالا و خدمات تهیه می کردند.

مالکیت فدرال و رویه قضایی ناشی از اعتراض به مناقصه ها در دیوان محاسبات و دیوان فدرال، سه نوع وضعیت متفاوت را به عنوان تعارض منافع سازمانی در نظر گرفته است:

- شرایطی که یک شرکت از طریق همکاری با دولت به اطلاعات غیرعمومی دسترسی پیدا کرده است و این اطلاعات ممکن است برای آن شرکت (یا یک شرکت وابسته به آن) مزیت رقابتی ناعادلانه در قراردادهای آتی فراهم کند (این موارد به عنوان تعارض منافع سازمانی در «دسترسی نابرابر به اطلاعات» خوانده می شوند).
- شرایطی که یک شرکت برای مکتوب کردن مشخصاتی که در تدارکات آتی مورد استفاده قرار می گیرد با دولت قرارداد بسته است؛ این موضوع می تواند به آن شرکت (یا یک شرکت وابسته به آن) مزیت رقابتی ناعادلانه در رقابت برای قراردادهای آتی با استفاده از این مشخصات بدهد (این ها به عنوان تعارض منافع در «قوانین پایه جانب دارانه»^۹ خوانده می شود).
- شرایطی که یک شرکت، قراردادی برای ارائه خدمات ارزیابی یا بررسی عملکردی با دولت دارد و در جریان اجرای آن قرارداد، از شرکت خواسته می شود محصول یا عملکرد خود یا شرکت وابسته را ارزیابی و بررسی کند (این

8- Biased ground rules



موارد به عنوان تعارض منافع سازمانی «بی طرفی ناقص»^۹ نامیده می شود). تعارضات منافع فوق، «سازمانی» نامیده می شود زیرا در بسیاری از موارد - به ویژه برای «قوانین پایه جانب دارانه» و «بی طرفی ناقص» - دو بخش مختلف از یک نهاد دارای شخصیت حقوقی درگیر هستند. یکی که کالا یا خدمات ارائه می دهد و دیگری که خدمات مرتبط با داوری ارائه می کند. به عنوان مثالی از تعارض منافع بی طرفی ناقص، وضعیتی را در نظر بگیرید که در آن شرکت ABC یکی از پنج پیمانکاری است که قراردادهایی برای ارائه خدمات نظافت به نیروی دریایی ایالات متحده برای تمیز کردن ساختمان ها دارد و نیروی دریایی تصمیم می گیرد قرارداد جدیدی را برای ارزیابی عملکرد پنج پیمانکار خدمات نظافت منعقد کند. اگر شرکت ABC وابسته به شرکت ABC، آن قرارداد ارزیابی را برنده می شد، در جایگاه ارزیابی کننده عملکرد خدمات نظافت توسط ABC قرار می گرفت و منطقاً می توان نگران این بود که آیا وی قادر به انجام بی طرفانه این کار هست یا خیر. در تعارض منافع سازمانی معمولاً هیچ فردی با تعارض منافع شخصی وجود ندارد و تعارض، صرفاً سازمانی است. بنابراین، به عنوان مثال، براساس اینکه عملکرد ABC خوب یا بد ارزیابی شود، هیچ کارمند ABC برنده یا بازنده پول (یا هر چیز با ارزش دیگری) نخواهد بود.

9- Impaired objectivity

شاخص های سنجش اقدامات دولت ها در ایجاد فضای سالم کسب و کار

- تضمین افشای عمومی مالکیت ذی نفع کلیه شرکت های ثبت شده در کشور
- وجود انگیزه برای درستکاری شرکت ها
- وجود سازوکارهای رسیدگی به مفاسد مقامات دولتی
- تضمین سلامت ساختار و فعالیت های شرکت های دولتی توسط معیارهای ارزیابی هریک از شاخص های پنج گانه فوق به این شرح است:

کنترل ریسک های فساد توسط هیئت مدیره شرکت ها

- ۱- قانون حکمرانی شرکتی، مسئولیت هیئت مدیره شرکت ها را برای نظارت بر مدیریت ریسک های فساد به عنوان بخشی از مدیریت ریسک یکپارچه تعیین کرده است.
- ۲- بازرسان بورس اوراق بهادار یا سایر مقامات ذی ربط به طور منظم بر نحوه نظارت هیئت مدیره شرکت های بورسی بر مدیریت ریسک های فساد، نظارت می کنند.

❖ یکی از مهم ترین بخش های اقتصادی هر کشور، بخش خصوصی یا حوزه کسب و کار است که سلامت یا عدم سلامت آن تأثیر قابل توجهی بر مبارزه با فساد در آن کشور دارد. حتی در کشورهایی که اقتصاد آزاد در آن ها پررنگ است، نظارت بر بخش خصوصی و فضای کسب و کار در جهت تسهیل و گسترش آن اهمیت قابل توجهی دارد. این نظارت به معنای مداخلات مکرر در این بخش به مانند آنچه در برخی کشورهای دارای اقتصاد دولتی شاهد هستیم، نیست؛ موضوع سلامت بخش کسب و کار چند دهه است که در ادبیات مبارزه با فساد در سطح جهان مطرح شده و مؤسسات بین المللی مختلفی روی این موضوع کار می کنند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در میان شاخص های مختلفی که برای سنجش اقدامات دولت ها در مبارزه با فساد تعریف کرده است، شاخص هایی را نیز برای سنجش اقدامات دولت ها در سالم سازی فضای کسب و کار و شرکت های دولتی طراحی و ارائه نموده که در این بخش به معرفی این شاخص ها می پردازیم. پنج شاخص اصلی سازمان مزبور در این موضوع شامل موارد زیر است:

- کنترل ریسک های فساد توسط هیئت مدیره شرکت ها



دولت تضمین می‌کند که هیئت‌های نظارت، در حداقل ۱۰ شرکت بزرگ دولتی از طریق یک فرایند انتخاب شفاف و مبتنی بر شایستگی که دربردارنده حداقل یک سوم اعضای مستقل است، تشکیل شده‌اند.

تضمین افشای عمومی مالکیت ذی‌نفع کلیه شرکت‌های ثبت‌شده در کشور

۱- اطلاعات مربوط به مالکان منافع به صورت برخط در یک نهاد ثبت مرکزی، افشا می‌شود.
۲- افشای عمومی اطلاعات مالکیت منافع به صورت فایل داده باز، قابل جست‌وجو و رایگان تضمین می‌شود.
۳- اطلاعات مالکیت منافع به‌طور معمول توسط مقامات دولتی بازبینی می‌شود.
۴- مؤسسات مالی، بنگاه‌های غیرمالی و سایر نهاد‌های مشخص‌شده، تحت قانون مبارزه با پولشویی، موظف به شناسایی و تأیید مالکیت منافع و گزارش مغایرت هستند.
۵- در صورت نقض مقررات ثبت و افشای مالکیت ذی‌نفع، مجازات‌های اداری و کیفری اعمال می‌شود.

وجود مشوق برای درستکاری شرکت‌ها

۱- به منظور ارتقای سلامت و پیشگیری از فساد، دولت مشوق‌هایی را برای شرکت‌ها در انجام فعالیت‌هایشان اعمال کرده است.

وجود سازوکارهای رسیدگی به مفاسد مقامات دولتی

۱- به منظور دریافت شکایات از شرکت‌ها درخصوص درخواست رشوه توسط مقامات



دولتی و موضوعات مرتبط با فساد و ارائه حمایت یا کمک به کسب‌وکارها برای رفع نگرانی‌های مشروع، نهاد مشخصی وجود دارد.
۲- تصور گسترده‌ای در میان ذی‌نفعان اصلی وجود دارد که نهاد مزبور به‌طور مستقل و بی‌طرفانه بدون دخالت سیاسی یا دیگر دخالت‌های ناروا در کار خود عمل می‌کند.
۳- این نهاد دارای اختیارات و منابع کافی برای بررسی شکایات فردی، ارائه حمایت و کمک به کسب‌وکارها در حل نگرانی‌های خود به سایر روش‌های قانونی است.
۴- این نهاد یا نهاد‌های دیگر، مشکلات سیستمی را تحلیل و توصیه‌های سیاستی را برای دولت تهیه می‌کند.
۵- حداقل نیمی از توصیه‌های سیاستی مربوط به مشکلات سیستمی مرتبط با نگرانی‌های تجاری در مورد فساد، رشوه‌خواری و موضوعات مرتبط توسط دولت اجرا شده یا به نحو مناسبی به آن‌ها رسیدگی شده است.

تضمین سلامت ساختار و فعالیت‌های شرکت‌های دولتی توسط دولت.

۱- دولت تضمین می‌کند که هیئت‌های نظارت، در حداقل ۱۰ شرکت بزرگ دولتی از طریق یک فرایند انتخاب شفاف و مبتنی بر شایستگی که دربردارنده حداقل یک سوم اعضای مستقل است، تشکیل شده‌اند.

۲- هیئت‌های نظارت حداقل ۱۰ شرکت بزرگ دولتی، سیستم‌های یکپارچه مدیریت ریسک را ایجاد کرده‌اند که شامل کنترل‌های داخلی، تدابیر اخلاقی و اجباری مربوط به سلامت شرکت‌های دولتی و پیشگیری از فساد است.
۳- مدیران عامل حداقل ۱۰ شرکت بزرگ دولتی از طریق فرایند انتخاب شفاف و مبتنی بر شایستگی منصوب می‌شوند و به هیئت‌مدیره گزارش می‌دهند.
۴- حداقل ۱۰ شرکت بزرگ دولتی، حسابرسی خارجی سالانه را مطابق با استانداردهای حسابداری بین‌المللی انجام می‌دهند.
۵- هیئت‌مدیره ۱۰ شرکت بزرگ دولتی به‌طور معمول در مورد یافته‌های کمیته حسابرسی داخلی و گزارش‌های حسابرسی خارجی مربوط به موضوعات سلامت، بحث و تصمیم‌گیری می‌کنند.
۶- شرکت بزرگ دولتی حداقل به افشای موارد زیر می‌پردازد:

- اهداف شرکت و فعالیت‌های انجام‌شده در جهت منافع عمومی؛
- نتایج مالی و عملیاتی؛
- معاملات مهم با سایر نهادها؛
- پاداش اعضای هیئت‌مدیره و مدیران کلیدی؛

منبع:

<https://www.oecd.org/corruption/anti-bribery/corruption/acn/Istanbul-Anti-Corruption-Action-Plan-5th-Round-Monitoring-Guide-ENG.pdf>

معرفی گروه دولت‌های ضد فساد^۱



رومانی، اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا و سوئد. از زمان تأسیس گروه، عضویت در آن رشد قابل توجهی داشته است. هم‌اکنون ۵۰ دولت، عضو گرکو هستند.

اهداف، ساختار و عضویت

هدف گرکو بهبود ظرفیت اعضای خود برای مبارزه با فساد با نظارت بر انطباق آن‌ها با استانداردهای ضد فساد شورای اروپا از طریق فرایند پویای ارزیابی متقابل و فشار همتایان است. این کار به شناسایی نواقص سیاست‌های ملی مبارزه با فساد و انجام اصلاحات قانونی، نهادی و عملی لازم، کمک می‌کند. گرکو همچنین بستری را برای به اشتراک‌گذاری بهترین شیوه در پیشگیری و کشف فساد فراهم می‌کند.

عضویت در گرکو، تنها به دولت‌های عضو شورای اروپا محدود نمی‌شود. هر دولتی که چارچوب توافق گرکو را بپذیرد، می‌تواند با اطلاع‌رسانی دبیر کل شورای اروپا به عضویت آن درآید. علاوه بر این، هر دولتی که عضو کنوانسیون‌های کیفری یا مدنی مربوط به فساد شود، به‌طور خودکار به این گروه و فرایندهای ارزیابی‌اش نیز می‌پیوندد.

عملکرد گرکو توسط اساسنامه و مقررات داخلی آن اداره می‌شود. هر کشور عضو، حداکثر دو نماینده را منصوب می‌کند که در جلسات عمومی گرکو با حق رأی شرکت می‌کنند. هر عضو همچنین فهرستی از کارشناسان موجود برای شرکت در ارزیابی‌های گرکو ارائه می‌دهد. سایر نهادهای

❖ «گروه دولت‌های ضد فساد»^۲ که به اختصار گرکو نامیده می‌شود یکی از نهادهای فراملی در حوزه مبارزه با فساد است که نقش فعالی در سطح جهان به‌ویژه در قاره اروپا ایفا می‌کند. این گروه در سال ۱۹۹۹ توسط شورای اروپا با هدف نظارت بر تبعیت دولت‌ها از موازین ضد فساد این شورا تأسیس شد. پیشینه تأسیس گرکو به ابراز نگرانی کشورهای عضو شورای اروپا از گسترش فساد و تهدید آن نسبت به ثبات نهاد‌های دموکراتیک در این قاره مربوط می‌شود. به دنبال این نگرانی، کشورهای عضو شورای اروپا نهادی موسوم به گروه چند رشته‌ای در مبارزه با فساد^۳ را در سپتامبر ۱۹۹۴ تأسیس کردند. این گروه در مارس ۱۹۹۸ پیش‌نویس توافقنامه تأسیس «گروه دولت‌های ضد فساد» را تصویب کرد. کمیته وزرا در حدود دومین جلسه خود در استراسبورگ در مه ۱۹۹۸ مجوز تأسیس گروه دولت‌های ضد فساد را به شکل یک توافق گسترش یافته صادر کرد و در اول مه ۱۹۹۹، گرکو توسط ۱۷ عضو مؤسس زیر تأسیس شد: بلژیک، بلغارستان، قبرس، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، لتونی، لوکزامبورگ،

۱- مطالب این بخش برگرفته از اطلاعات مندرج در پایگاه اینترنتی گروه دولت‌های ضد فساد به نشانی زیر است:

<https://www.coe.int/en/web/greco/home>
2- Group of States against Corruption (GRECO)
3- Multidisciplinary Group on Corruption (MGC)



یکی از نقاط قوت نظارت گرکو بررسی اجرای توصیه‌ها در روند تبعیت است. ارزیابی اینکه آیا توصیه‌ای به‌طور رضایت‌بخش یا نسبی اعمال شده و یا کلاً مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

شورای اروپا نیز می‌تواند نمایندگانی را منصوب کنند (مانند مجمع پارلمانی شورای اروپا). گرکو به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و سازمان ملل متحد – که توسط دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد نمایندگی می‌شود – وضعیت ناظر اعطا کرده است. کمیته حقوقی گرکو متشکل از نمایندگان کمیته وزرای کشورهای عضو و نمایندگانی است که به‌طور خاص توسط سایر اعضای گرکو تعیین شده‌اند. این کمیته صلاحیت تصویب بودجه گرکو را دارد. همچنین در صورتی که تشخیص دهد که یکی از اعضا نسبت به توصیه‌های ارائه‌شده، اقدام کافی انجام نمی‌دهد، این اختیار را دارد که بیانیه عمومی صادر کند.

رئیس، نایب‌رئیس و اعضای هیئت‌مدیره گرکو که نقش مهمی در برنامه‌ریزی این نهاد و هدایت فرایندهای ارزیابی دارند توسط اعضا انتخاب می‌شوند. کمیته اساسنامه گرکو شامل نمایندگان کمیته وزرای دولت‌های عضو و نمایندگان خاص منصوب شده توسط دیگر اعضا است. این کمیته، وظیفه بودجه‌ریزی دارد و برای صدور بیانیه عمومی از اقتدار لازم برخوردار است. اساسنامه گرکو یک رویه اصلی را تعریف می‌کند که قابل انطباق با اسناد حقوقی مختلف مورد بررسی است.

مقرر گرکو در استراسبورگ فرانسه است و اداره آن بایک دبیرخانه اجرایی است که در بالاترین سطح آن، دبیرکل قرار دارد.

شیوه ارزیابی کشورهای در گرکو

گرکو همه اعضای خود را بر مبنای یکسان، از طریق یک فرایند پویای ارزیابی متقابل و فشار همتایان نظارت می‌کند. سازوکار گرکو، رعایت دقیق اصل تساوی حقوق و تعهدات بین اعضای خود را تضمین می‌کند. همه اعضا بدون محدودیت در ارزیابی متقابل و رویه‌های انطباق، شرکت می‌کنند و خود را تأیید می‌کنند.

نظارت گرکو شامل موارد زیر است:

- روش ارزیابی افقی (همه اعضا در یک دور، ارزیابی می‌شوند) که منجر به توصیه‌هایی با هدف پیشبرد اصلاحات قانونی، نهادی و عملی لازم می‌شود.
- رویه انطباق که برای ارزیابی اقدامات انجام‌شده توسط اعضای اجرای توصیه‌ها طراحی شده است.

فرایند ارزیابی از رویه‌ای کاملاً تعریف‌شده پیروی می‌کند که در آن تیمی از کارشناسان توسط گرکو برای ارزیابی یک عضو خاص منصوب می‌شوند. تحلیل

وضعیت در هر کشور بر اساس پاسخ‌های کتبی به پرسشنامه و اطلاعات جمع‌آوری‌شده در جلسات با مقامات دولتی و نمایندگان جامعه مدنی طی یک بازدید در محل از کشور است. پس از بازدید در محل، تیم کارشناسان، پیش‌نویس گزارشی را تهیه می‌کنند که برای دریافت نظرات، به آن کشور ارسال می‌شود تا در نهایت برای بررسی و پذیرش به گرکو ارسال شود. نتیجه‌گیری گزارش‌های ارزیابی ممکن است این باشد که قوانین و رویه‌ها با مفاد مورد بررسی مطابقت دارند یا اینکه بالعکس، با مفاد مورد بررسی ناسازگار هستند. نتیجه‌گیری ممکن است منجر به توصیه‌هایی شود که باید در مدت ۱۸ ماه درباره آن‌ها اقدام شود یا مشاهداتی که اعضا باید مدنظر قرار دهند اما رسماً ملزم به ارائه گزارش در روند انطباق بعدی نیستند.

یکی از نقاط قوت نظارت گرکو بررسی اجرای توصیه‌ها در روند تبعیت است. ارزیابی اینکه آیا توصیه‌ای به‌طور رضایت‌بخش یا نسبی اعمال شده و یا کلاً مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، بر اساس گزارش موقعیت به همراه مدارک حمایتی – که اعضای تحت ارزیابی ظرف ۱۸ ماه پس از دریافت گزارش ارزیابی تحویل می‌دهند – صورت می‌گیرد. گرکو در مواردی که از همه توصیه‌ها تبعیت نشده باشد، آن توصیه‌ها را ظرف ۱۸ ماه دیگر دوباره بررسی می‌کند. گزارش‌های تبعیت و پیوست‌های آن که توسط گرکو اخذ می‌شود، نتیجه کلی در مورد اجرای همه توصیه‌ها را نیز دربر می‌گیرد و هدف از آن تصمیم‌گیری در این مورد است که آیا روند تبعیت در ارتباط با یک عضو خاص خاتمه یابد یا خیر.

معرفی شاخص تغییر بنیاد برتلسمن

❖ برتلسمن استیفتانگ^۱ یک بنیاد غیرانتفاعی است که مقر آن در کشور آلمان قرار دارد و در زمینه‌های مختلف اجتماعی، حکمرانی و ... به فعالیت‌های تحقیقاتی مشغول است. بنیاد مزبور علاوه بر فعالیت تحقیقاتی، شاخص‌هایی نیز منتشر می‌کند که برخی از آن‌ها مورد استناد نهادهای معتبر بین‌المللی است.

شاخص تغییر^۲، از جمله این شاخص‌ها است که یکی از منابع سنجش فساد در شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل نیز می‌باشد. این شاخص که از بخش تحول سیاسی (Political Transformation)، تحول اقتصادی (Economic Transformation) و حکمرانی (Governance) تشکیل شده است، وضعیت ۱۳۷ کشور را در این سه موضوع مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هریک از این سه بخش شامل محورها و شاخص‌هایی است که با استفاده از چند پرسش از صاحب‌نظران، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. تحول سیاسی در این

شاخص بر اساس پنج معیار دولت‌مندی^۳، مشارکت سیاسی، حاکمیت قانون، ثبات نهادهای دموکراتیک و همبستگی سیاسی و اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرد. تحول اقتصادی بر اساس معیارهای سطح توسعه اقتصادی – اجتماعی، سازمان بازار رقابت، ثبات پولی و مالی، مالکیت خصوصی، رژیم رفاهی، عملکرد اقتصادی و پایداری و حکمرانی بر اساس معیارهای سطح مشکلات^۴، ظرفیت راهبری، کارآمدی منابع، اجماع‌سازی و همکاری بین‌المللی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تحول سیاسی

معیارهای تحول سیاسی در این شاخص با پرسش‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- دولت‌مندی؛

۱-۱ تا چه میزان انحصار دولت از راه اعمال زور، تمامی قلمرو کشور را پوشش می‌دهد؟

3- Stateness
4- Level of Difficulty

1- Bertelsmann Stiftung
2- Transformation Index



این شاخص که از بخش تحول سیاسی، تحول اقتصادی و حکمرانی تشکیل شده است، وضعیت ۱۳۷ کشور را در این سه موضوع مورد ارزیابی قرار می دهد.

- ۱-۲ گروه های موجود درون جامعه چقدر درباره مقوله شهروندی، توافق نظر داشته و در زمینه مشروعیت دولت - ملت، اجماع نظر دارند؟
- ۱-۳ مشروعیت دولت و نظام حقوقی آن تا چه میزان بدون جزم اندیشی مذهبی، تعیین می شوند؟
- ۱-۴ تا چه میزان ساختارهای پایه اداری، وجود دارند؟
- ۲- مشارکت سیاسی؛
- ۲-۱ حاکمان تا چه میزان از طریق انتخابات آزاد، فراگیر و منصفانه تعیین می شوند؟
- ۲-۲ رهبران منتخب تا چه میزان، دارای توان مؤثر برای حکومت کردن هستند و یا گروه های قدرت دارای حق وتو و پراکندگی گروه های سیاسی تا چه میزان، وجود دارد؟
- ۲-۳ به چه میزان، امکان تأسیس و فعالیت گروه های سیاسی و مدنی مستقل وجود دارد؟
- ۲-۴ شهروندان، سازمان ها و رسانه های گروهی تا چه میزان قادر به بیان آزاد عقاید خود هستند؟
- ۳- حاکمیت قانون؛
- ۳-۱ تفکیک قوا تا چه حد در حکومت وجود دارد؟
- ۳-۲ میزان استقلال قوه قضائیه چقدر است؟
- ۳-۳ تا چه میزان، مجازات های حقوقی یا سیاسی برای مقاماتی که از موقعیت خود، سوء استفاده می کنند وجود دارد؟
- ۳-۴ آزادی های مدنی تا چه میزان، تضمین شده و مورد حمایت قرار گرفته اند و شهروندان در صورت نقض این آزادی ها چقدر می توانند از نهادهای خاطی شکایت کنند؟
- ۴- ثبات نهادهای دموکراتیک؛
- ۴-۱ آیینهای دموکراتیک (از جمله سیستم های اجرایی و قضایی) قادر به فعالیت هستند؟
- ۴-۲ نهادهای دموکراتیک تا چه میزان توسط کنشگران مربوط، پذیرفته یا حمایت می شوند؟
- ۵- همبستگی سیاسی و اجتماعی؛
- ۵-۱ تا چه میزان، سیستم حزبی ریشه دار، پایدار و معتدل برای بیان و پیگیری منافع اجتماعی وجود دارند؟
- ۵-۲ تا چه میزان، شبکه های مشارکتی یا گروه های فشار برای میانجی گری بین جامعه و نظام سیاسی، وجود دارد؟

- ۵-۳ میزان موافقت شهروندان با هنجارها و رویه های دموکراتیک، چقدر است؟
- ۵-۴ تا چه میزان، خود سازمان دهی اجتماعی و فرایند ایجاد سرمایه اجتماعی توسعه یافته است؟
- تحول اقتصادی
- بخش بعدی این شاخص، به تحول اقتصادی مربوط است که شامل محورها و پرسش های زیر است؛
- ۱- سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی؛
- ۱-۱ تا چه میزان، بخش های قابل ملاحظه ای از جمعیت، به خاطر فقر و نابرابری (شکاف های درآمدی، جنسیتی، آموزشی، مذهبی، قومیتی)، در جامعه نادیده گرفته می شوند؟
- ۲- سازماندهی بازار و رقابت؛
- ۲-۱ اصول رقابت بازار محور، تا چه سطحی توسعه یافته اند؟
- ۲-۲ تا چه میزان، مجاری لازم جهت پیشگیری از توسعه کارتل ها و انحصارات اقتصادی وجود دارند؟
- ۲-۳ تجارت خارجی تا چه حد، آزاد سازی شده است؟
- ۲-۴ سیستم بانکداری و بازار سرمایه یکپارچه تا چه میزان شکل گرفته اند؟
- ۳- ثبات پولی و مالی؛
- ۳-۱ کشور تا چه میزان از یک سیاست تورم متناسب و یک سیاست مبادله خارجی مناسب، پیروی می کند؟ آیا بانک مرکزی، مستقل است؟
- ۳-۲ تا چه میزان، سیاست های مالی و بدهی دولت از ثبات اقتصادی کلان، پیروی می کنند؟
- ۴- مالکیت خصوصی؛

TRANSFORMATION INDEX



- ۴-۱ مقامات دولتی تا چه حدی حقوق تعریف شده مالکیت خصوصی را تضمین و فرایند تملک دارایی را کنترل می کنند؟
- ۴-۲ تا چه میزان، شرکت های خصوصی امکان فعالیت دارند؟ آیا شرکت های دولتی، تحت فرایند خصوصی سازی متناسب با اصول بازار فعالیت می کنند؟
- ۵- نظام رفاهی؛
- ۵-۱ شبکه های امنیت اجتماعی برای جبران فقر و مخاطرات دیگر نظیر پیری، بیماری، بیکاری یا معلولیت تا چه میزان وجود دارند؟
- ۵-۲ تا چه میزان، برابری در استفاده از فرصت ها وجود دارد؟
- ۶- عملکرد اقتصادی؛
- ۶-۱ عملکرد اقتصاد براساس شاخص های کمی، چگونه است؟
- ۷- پایداری؛
- ۷-۱ دغدغه های زیست محیطی چقدر در مباحث اقتصاد کلان، مدنظر قرار می گیرند؟
- ۷-۲ تا چه میزان، نهادهایی قوی برای آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی و همچنین تحقیق و توسعه وجود دارند؟
- حکمرانی
- معیارها و سنجه های شاخص حکمرانی نیز به این شرح است؛
- ۱- سطح مشکلات؛
- ۱-۱ مشکلات ساختاری، تا چه میزان
- ظرفیت حکمرانی رهبران سیاسی را محدود می سازد؟
- ۱-۲ سنت های مبتنی بر جامعه مدنی تا چه میزان در کشور وجود دارد؟
- ۱-۳ تعارضات اخلاقی، مذهبی و اجتماعی، چقدر جدی هستند؟
- ۱-۴ درآمد سرانه ناخالص ملی چقدر است؟
- ۱-۵ شاخص آموزش سازمان ملل به عنوان ملاک سطح آموزشی چقدر است؟
- ۱-۶ میانگین معیارهای دولتمندی و حاکمیت قانون در شاخص BTI چقدر است؟
- ۲- ظرفیت راهبری؛
- ۲-۱ تا چه میزان، رهبران سیاسی، اولویت های استراتژیک را وضع و بر آن ها پافشاری می کنند؟
- ۲-۲ در اجرای سیاست اصلاحی، دولت تا چه میزان کارآمد است؟
- ۲-۳ مدیریت سیاسی، تا چه حد منعطف و مبتکرانه است؟ آیا از خطاهای گذشته، درس می گیرد؟
- ۳- کارآمدی منابع؛
- ۳-۱ دولت تا چه میزان، از منابع اقتصادی و انسانی موجود استفاده مؤثر می کند؟
- ۳-۲ دولت تا چه میزان، می تواند اهداف متضاد را در قالب سیاستی منسجم، مدیریت کند؟
- ۳-۳ دولت تا چه میزان قادر است فساد را به شکل موفقیت آمیز مهار کند؟

- ۴-۱ اجماع سازی؛
- ۴-۱ تا چه میزان بازیگران سیاسی اصلی، درخصوص اقتصاد بازار و دموکراسی، به عنوان اهداف بلندمدت استراتژیک، توافق نظر دارند؟
- ۴-۲ تا چه میزان حامیان اصلاح، قادر هستند کنشگران غیر دموکراتیک دارای حق و تورا کنار زده و یا در خود، جذب نمایند؟
- ۴-۳ حاکمیت سیاسی چقدر می تواند شکاف های سیاسی را مدیریت کند به گونه ای که به صورت تعارضات سازش ناپذیر در نیایند؟
- ۴-۴ حاکمیت سیاسی تا چه میزان، مشارکت جامعه مدنی در فرایند سیاسی را میسر می سازد؟
- ۴-۵ حاکمیت سیاسی تا چه میزان، قادر است بین قربانیان و متخلفان بی عدالتی، سازش ایجاد کند؟
- ۵- همکاری بین المللی؛
- ۵-۱ مدیران سیاسی چقدر از حمایت شرکای بین المللی برای بهبود سیاست اصلاحات داخلی خود استفاده می کنند؟
- ۵-۲ حکومت در روابط با جامعه بین المللی تا چه میزان، به عنوان یک شریک معتبر و قابل اعتماد، عمل می کند؟
- ۵-۳ مدیران سیاسی چقدر مایل به همکاری با کشورهای همسایه در سازمان های منطقه ای و بین المللی هستند؟

آموزش درستکاری در مدارس و دانشگاه‌ها (بخش سوم)

کلمبیا: کار با دانشگاه‌ها (برنامه کاتدرا)

❖ برنامه کاتدرا یک ابتکار دانشگاهی است که به وسیله سازمان شفافیت برای کلمبیا، نمایندگی شفافیت بین الملل در کلمبیا و چندین نهاد آموزش عالی در این کشور به وجود آمده است. این برنامه با استفاده از ابزارهای آموزشی و به وسیله گردهم آوردن مدیران سازمان‌های دولتی و خصوصی، اساتید دانشگاه و دانشجویان، به شکل گیری ارزش‌های اخلاقی در جوانانی که انتظار می‌رود در آینده عهده‌دار مناصب دولتی یا خصوصی شوند، کمک می‌کند. بر این اساس کاتدرا، در باب ارزش‌ها و چالش‌های اخلاقی سازمان‌های امروزی با تأکید بر ساختن جامعه خوب، تأملاتی دارد. این برنامه یک رویکرد چند مؤلفه‌ای دارد که آن را با استفاده از روش تدریسی که تعاملی و بر پایه مطالعات موردی و همچنین از حمایت مربیان برخوردار است، به کار می‌برد. این برنامه در سپتامبر ۲۰۰۴ طراحی و در سال ۲۰۰۲ برای اولین بار به کار گرفته شد.

پیش زمینه

براساس شاخص ادراک فساد سال ۲۰۲۲، کشور کلمبیا در رده ۸۷ جدول از میان ۱۴۶ کشور قرار دارد. تحلیل‌های اخیر نظام سلامت ملی کلمبیا نشان می‌دهد، با وجود حساسیت و آگاهی مردم کلمبیا نسبت به فساد، آسیب‌پذیری‌های زیادی نسبت به فساد در میان رده‌های بالای مدیریتی کشور کلمبیا وجود دارد. این گزارش از تلاش‌های میلیون‌ها زن و مرد در دستکار کلمبیایی که زندگی‌شان را در راه پیشرفت کشورشان وقف کرده‌اند، قدر دانی می‌کند اما هم‌زمان درباره انحراف ارزش‌ها و اصول در سطوح حاکمیتی،

1- Catedra program

رهبری سیاسی، دولت و بخش خصوصی هشدار می‌دهد.

بنابراین هراستراتژی پیشگیری از فساد باید حاوی شکل‌دهی اخلاقی به رهبران آینده سازمان‌های دولتی و خصوصی باشد که در سطوح مختلف بر تصمیمات حوزه سلامت اداری کشور تأثیرگذار هستند. با این وجود، نظام آموزش دانشگاهی متمایل به تمرکز بر جزئیات فنی برای موفقیت شغلی است و مسئولیت‌های اجتماعی را نادیده می‌گیرد. کلمبیاییان نیاز دارند تا بتوانند کنترل‌های اجتماعی مورد نیاز برای پیشگیری از فساد را فراهم آورد. حضور در دانشگاه، ظرفیت تشویق جوانان را برای شرکت در مسئولیت‌های اجتماعی همچنین فرصت‌های مناسبی برای اجرای بحث‌های عمومی حول موضوعات اخلاقی در اموراتی فراهم خواهد کرد.

برنامه کاتدرا چگونه آغاز شد؟

در اواخر سال ۲۰۰۱ شرکت شل و شفافیت برای کلمبیا، دیدگاه خود را برای ارتقای استانداردهای اخلاقی در بخش تجاری به اشتراک گذاشتند. از یک طرف، شرکت شل، علاقه‌اش را به تأمین مالی یک ابتکار آموزشی برای جوانان ابراز کرد؛ به نحوی که استانداردهای بالای مسئولیت اجتماعی به چارچوب‌های کاری و عملکرد حرفه‌ای رهبران تجاری را شکل دهد. از سوی دیگر سازمان شفافیت برای کلمبیا به واسطه ارتباطش با حوزه تجارت، نیاز به تقویت اخلاقی در این بخش و نیاز به پایه‌ریزی راه‌حلی‌هایی برای آموزش اخلاقی برای مشاغل حرفه‌ای آینده را شناسایی کرد.

مرحله اول این ابتکار شامل اجرای یک پیمایش در هفت دانشگاه کلمبیایی برای شناسایی روش‌های متفاوتی است که رفتار اخلاقی دانشجویان را شکل می‌دهد و کشف اینکه آیا پروژه‌هایی از نوع آنچه در آن طرح وجود داشت اجرا

شده است یا خیر. هم‌زمان نسخه آزمایشی طرح کاتدرا با دانشجویان دو دانشگاه کامل شد. مرحله بعد تمرکز بر طراحی پروژه براساس طرح اتحاد میان سازمان شفافیت برای کلمبیا و شرکت‌های خصوصی مانند شل و دانشگاه‌های علاقه‌مند به موضوع بود. پیشنهاد شد تا یک فضای مشترک تبادل افکار بین دانشگاهی به وجود آید تا شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی با استفاده از یک رویکرد عملی و مشارکتی که در آن دانشجویان، اساتید و مقامات حرفه‌ای بتوانند مسائل خود را طرح کنند و تحلیل‌های خود را از موضوعات اخلاقی ارائه دهند، امکان پذیر شود. علاوه بر شرکت شل، بانک سانتاندر نیز در تأمین منابع برای شروع پروژه، مشارکت کرد.

در نیمه اول سال ۲۰۰۲، سازمان شفافیت برای کلمبیا شروع به انجام فعالیت‌هایی با سه دانشگاه کرد و در نیمه دوم سال، شش دانشگاه دیگر به این طرح پیوستند و اکنون پانزده دانشگاه در شهرهای بزرگی مانند بوگوتا و کارتاگنا در این طرح جای گرفته‌اند.

امروز کاتدرا چه کارهایی انجام می‌دهد؟

هدف اصلی برنامه کاتدرا نقش داشتن در شکل‌گیری اخلاقی دانشجویان دانشگاه‌ها به عنوان رهبران سازمان‌های دولتی و خصوصی آینده است؛ به نحوی که آن‌ها بتوانند در جهت

منافع عمومی اقدام کنند و در آینده علیه فساد مبارزه کنند.

- ساختار برنامه کاتدرا به صورت زیر است:
- کمیته مدیریتی شامل رؤسا و اعضای هیئت مدیره دانشگاه‌ها، یک مقام اجرایی از یک شرکت ملی یا بین‌المللی یا چند ملیتی (که اعضای سازمان شفافیت برای کلمبیا) و دو تن از اعضای هیئت مدیره این سازمان است. این کمیته هر سه ماه یک بار جلسه‌ای را برای تعیین خط‌مشی‌های سیاسی، تعیین اهداف و بررسی میزان پیشرفت پروژه برگزار می‌کند.
- کارکنان تمام وقت که به انجام امور پروژه می‌پردازند.
- هر شش ماه یک بار با اساتید دانشگاه‌های مشارکت‌کننده در طرح، جلسه برگزاری شده و فعالیت‌های انجام شده، بررسی می‌شود.
- امضای موافقت‌نامه‌هایی با دانشگاه‌های مشارکت‌کننده در طرح کاتدرا که تعهداتی را در زمینه‌های آکادمیک و نیز تأمین مالی و منابع، مشخص می‌کند.
- حدود ۵۰ نفر از اساتیدی که در حال حاضر در طرح کاتدرا ثبت‌نام کرده‌اند، در حال استفاده از منابع خود در دوره‌ها هستند. این اساتید متعهد، همچنین در توسعه منابع بیشتر مشارکت دارند.

برای دستیابی به این هدف، طرح کاتدرا چهار مؤلفه را دنبال می‌کند:



هر استراتژی پیشگیری از فساد باید حاوی شکل‌دهی اخلاقی به رهبران آینده سازمان‌های دولتی و خصوصی باشد که در سطوح مختلف بر تصمیمات حوزه سلامت اداری کشور تأثیرگذار هستند.

۱. برگزاری جلسات عمومی بین دانشگاهی شرکت در این جلسات عمومی برای عموم آزاد است و تاکنون سخنرانان برجسته‌ای را به خود جذب کرده است. این جلسات، رهبران سازمان‌های دولتی و خصوصی، دانشجویان و دانشگاهیان را گردهم می‌آورد تا تجارب خود در خصوص ارزش‌ها و چالش‌های اخلاقی که با آن‌ها مواجه شده‌اند را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. این جلسات عمومی در پی انگیزه دادن به دانشجویان برای فهم نیاز به ارتقای قضاوت اخلاقی و درک مفهوم منافع صداقت و درستکاری برای جامعه است.

تاکنون ۲۹ جلسه عمومی برگزار شده است که در آن‌ها بیش از ۶۰۰۰ دانشجوی شرکت کرده‌اند. موضوعات شامل فساد در قراردادهای عمومی و دولتی، فساد در آمریکای لاتین و مسئولیت شرکت‌های بزرگ، فساد در قراردادهای بخش خصوصی، چگونگی مدیریت اخلاقی در سازمان‌ها، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در یک جامعه درگیر منازعه، مسئولیت اجتماعی در رسانه‌های گروهی و نقش گروه‌های ذی‌نفوذ در شکل‌دهی به قوانین بوده است.

۲. برگزاری سمینارهای مطالعات موردی

برنامه کاتدرا برنامه آموزشی خود را به شکل مطالعات موردی نیز بسط داده است. تاکنون هشت مطالعه موردی با همکاری شرکت‌های مشارکت‌کننده در طرح انجام شده است.

مواد آموزشی توسط اساتید در دوره‌های آموزشی عادی به کار گرفته می‌شوند. مطالعات موردی ارائه‌دهنده چالش‌های در ستکاري و تشویق دانشجویان به پیدا کردن راه‌حل‌های خودشان است. دانشجویان، مشکلات اخلاقی و تضاد منافع و چگونگی برخورد با آن‌ها را به شیوه‌ای عملی در کلاس می‌آموزند. آن‌ها تشویق می‌شوند تا در تصمیماتی که می‌گیرند، در ستکاري و ترجیح دادن منافع عمومی به منافع خصوصی را لحاظ کنند.

هر مطالعه موردی همراه با دستورالعمل و دفترچه‌های راهنمایی برای اساتید و کتاب‌شناسی منابع داخلی و خارجی برای پشتیبانی از این مطالعات است. علاوه بر این، اساتید در دوره آموزشی کاتدر را برای نحوه ارائه مطالعات موردی شرکت می‌کنند.

۳. برگزاری کارگاه‌هایی با عنوان «ارزش‌ها در عمل»

این کارگاه‌ها از یک روش‌شناسی ایفای نقش برای شبیه‌سازی بازتاب ارزش‌ها از جنبه‌های مختلف استفاده می‌کند. ارزش‌ها در معرض و در تعارض با تصمیم‌گیری‌های ضروری روزمره دانشجویان در زندگی تحصیلی، حرفه‌ای و شخصی قرار می‌گیرند. دانشجویان با گروه‌های ذی‌نفع‌گونگون، آشنایی پیدا می‌کنند تا برای زمانی که با چالش‌های اخلاقی در سازمان‌ها و زندگی شخصی روبه‌رو می‌شوند آمادگی داشته باشند. موضوع دیگری که پوشش داده می‌شود مدیریت روابط است. تاکنون ۱۶۰ کارگاه ارزش‌ها، برگزار شده است که به وسیله سازمان شفافیت برای کلمبیا تنظیم شده‌اند.



طرح کاتدر از تبادل اساتید میان دانشگاه‌های عضو برای تقویت کار تیمی بر روی این ابتکار و به وجود آوردن فضایی برای تفکر حمایت می‌کند.



۴. تبادل تجارب اساتید در زمینه آموزش اخلاق

طرح کاتدر از تبادل اساتید میان دانشگاه‌های عضو برای تقویت کار تیمی بر روی این ابتکار و به وجود آوردن فضایی برای تفکر حمایت می‌کند. تاکنون ۱۰ استاد در این طرح تبادل تجارب، مشارکت داشته‌اند. جلسات این اساتید به عنوان سازوکاری برای دریافت بازخورد تیم کاتدر به کار گرفته می‌شوند که اساتید می‌توانند به بررسی مؤلفه‌های مختلف این طرح بپردازند.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

طرح کاتدر برای نزدیک به سه سال بدون مشکل خاصی در حال فعالیت بوده و اکنون در مؤلفه‌های مختلف، تعداد ۶۰۰۰ دانشجو را در این طرح مشارکت داده است. بسیاری بر این عقیده‌اند که طرح کاتدر به دلیل مؤلفه‌های مختلف (سمینارهای تحلیلی، کارگاه‌ها، جلسات علمی و...) و تعهد اساتیدش، ثابت کرده که برای مخاطبان جذاب است. کاتدر همچنین در به وجود آوردن ارتباطات جدید مانند دانشگاه‌های عمومی و خصوصی موفق بوده است.

در سال ۲۰۰۵، کاتدر پس از بررسی برنامه‌ها، دستاوردها و انجام اصلاحات لازم،

طرح را به مناطق دیگری از کشور گسترش داد و فعالیت‌هایش را با توجه تفاوت‌های مناطق مختلف تطبیق داده و متناسب کرد.

عوامل زیر در توسعه و پیشرفت کاتدر اهمیت بوده‌اند:

- همکاری با متحدانی از دیگر نهادها از همان ابتدای طراحی پروژه، دستاوردهای بزرگ‌تری را موجب شد؛
- با امضای موافقت‌نامه، اتحاد با هر یک از کنشگران در زمینه تعهدات آکادمیک و فراهم آوردن منابع برای توسعه پروژه، شکل رسمی به خود گرفت؛
- مرتبط کردن دانشگاه‌های دولتی و خصوصی به یکدیگر و انطباق پروژه و مؤلفه‌های آن با تفاوت‌های منطقه‌ای؛
- تعهد و انگیزه اساتید در به کارگیری مؤلفه‌های کاتدر؛
- مشارکت و حمایت دانشجویان پیشرو؛
- انتخاب مؤثر موضوعات جذاب منابع عمومی که موجب رونق بحث در نشست‌های علمی شده و استفاده از مطالعات موردی.

منبع:

<http://www.transparency.org/en/publication/teaching-integrity-to-youth-examples-from-11-countries>

Preventing and Managing Conflicts of Interest in the Public Sector

GOOD PRACTICES GUIDE

معرفی کتاب

❖ این کتاب به عنوان یک راهنما به درخواست گروه کاری ضد فساد کشورهای گروه ۲۰ (G۲۰) در سال ۲۰۲۰ تهیه شده است. کتاب از مثال‌ها، تحلیل‌ها و مباحث مطرح شده در کارگاه‌های عملی و نشست‌های علمی برگزار شده به ریاست آرژانتین و فرانسه در سال ۲۰۱۸ و ژاپن و مکزیک در سال ۲۰۱۹، بهره‌های فراوانی برده است.

هدف این کتاب آن است تا به عنوان منبعی برای سیاست‌گذاران، فعالان و جامعه مدنی برای قانونگذاری در زمینه تعارض منافع و تقویت سیستم‌ها به کار رود. همچنین در بخش‌هایی از کتاب به شرح تجارب و اقدامات موفق برخی از کشورهای عضو گروه ۲۰ و دیگر کشورها، بانک جهانی، سازمان

پیشگیری و مدیریت تعارض منافع در بخش دولتی

نویسندگان:

الکساندرا هابرشون، کاریسامونرو و تیم استیل

انتشارات: بانک جهانی

سال انتشار: ۲۰۲۰

توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)، پرداخته شده است. این اثر، اصول مهم کشورهای گروه ۲۰ برای مدیریت و پیشگیری از تعارض منافع در بخش دولتی که در کارگروه ضد فساد سال ۲۰۱۸ تصویب شده اند را ارائه کرده است. در واقع هر فصل در این راهنما با معرفی و توضیح یکی از این اصول شروع می شود. فهرست کامل این اصول در ضمیمه شماره یک کتاب آورده شده و فهرستی از مثال های تکمیلی اقدامات کشورهای گروه ۲۰ برای مدیریت و جلوگیری از تضاد منافع در ضمیمه شماره ۳ فراهم آمده است.

فهرست مطالب

۱. استانداردهای تعارض منافع – تعریف و به کارگیری رهیافت

- فساد و تعارض منافع: استانداردهای بین المللی
- تعریف تعارض منافع
- مدیریت تعارض منافع: روش ها و ابزارها
- برخورد با تعارض منافع آشکار، بالقوه و فعلی
- حوزه کاربرد قوانین و مقررات مربوط به تعارض منافع
- راهبردهایی برای ارزیابی به کارگیری، عملکرد و ارتباط سیاست های تعارض منافع
- ۲. انواع تعارض منافع – درک اولویت های کشور
- دسته بندی های تعارض منافع
- شناسایی رفتارها و عملکردهای پرریسک:
- نقطه شروع برای توجه به تعارض منافع
- نوع شناسی موقعیت های تعارض منافع
- ۳. ترتیبات نهادی برای مدیریت تعارض منافع: چه کسی مسئول است؟

- الگوی شماره ۱: سیستم تعارض منافع توسط دستگاه اصلی هریک از قوای سه گانه مدیریت می شود.
- الگوی شماره ۲: سیستم تعارض منافع به وسیله یک سازمان مرکزی با مقامات مسئول برای هر وزارتخانه یا سازمان دولتی مدیریت می شود.
- الگوی شماره ۳: یک دستگاه تخصصی برای همه بخش های حکومتی
- الگوی شماره ۴: یک سازمان متمرکز با دفاتر اقماری در سطح محلی

۴. توجه به نواحی مهم ریسک – اشتغال های قبل و بعد از یک منصب و تصمیم سازی عمومی
- بهترین اقدامات برای مدیریت تعارض منافع در شرایط قبل و بعد از اشتغال
 - محافظت از منافع عمومی و تضمین سلامت اداری در تصمیم سازی
۵. ساختن یک فرهنگ بازسازی برای شناسایی و مدیریت تعارض منافع
- ساختن یک فرهنگ سازمانی باز برای شکوفایی ارتباطات و تعهد پیرامون مدیریت تعارض منافع
۶. مدیریت تعارض منافع – به کارگیری اعلام دارایی ها

- چرایی کاربرد اعلام دارایی برای مدیریت تعارض منافع
- چه وقت و چگونه اعلام دارایی به کار می رود؟
- چه اطلاعاتی برای مدیریت تعارض منافع مفید است؟
- رهیافت هایی برای بازبینی و بررسی اعلام دارایی ها
- ۷. ارتقای آگاهی، ظرفیت سازی و تعهد در سیستم های تعارض منافع
- ارتقای آگاهی و ظرفیت سازی برای بسیج سیاست های تعارض منافع
- ۸. راه حل هایی برای انواع مختلف تعارض منافع
- ۹. پاسخ ها به تعارض منافع: اجرای مجازات ها و پرداختن به موضوع زیان های وارده
- ۱۰. داده ها و تحلیل هایی برای پشتیبانی از سیاست های تعارض منافع، پیشگیری، مدیریت و کشف آن
- چگونه تحلیل داده ها از پیشگیری و کشف تعارض منافع حمایت می کند؟
- چالش های مشترک در جمع آوری و تحلیل داده ها
- داده ها و پیشگیری: مقایسه داده ها برای نشان دادن تعارض منافع بالقوه در تدارکات دولتی (مطالعه موردی: رومانی)
- شناسایی اولویت های کشوری از طریق پیمایش و گردآوری داده ها (مطالعه موردی: مکزیک و ویتنام)
- بایگانی الکترونیک افشای مالی: راهی برای افزایش داده ها و تحلیل ها برای حمایت از پیشگیری و کشف تعارض منافع

Preventing and Managing Conflicts of Interest in the Public Sector

GOOD PRACTICES GUIDE

Prepared at the request of the G20 Anticorruption Working Group by the World Bank, OECD and UNODC

“Anti-corruption Efforts”

A Journal for the Worldwide
Fight against Corruption
General Inspection Organization

(Tehran, Islamic Republic of Iran)
The centre of Education and Research
Email: bazrasi.research@136.ir

